

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اصول عقاید (۲)

رشته علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:

اصول عقاید (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۳۲

پدیدآورنده:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

نقیسه پیرجلیلی، حمیدرضا تمدن، عباس جوارشکیان، فضل‌الله خالقیان، سیدحسین سوزنچی، یاسین شکرانی، معصومه صابری، سیدحمید طالب‌زاده، مصطفی فیض، علی لطیفی، محمود متوسل‌آرانی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)

محمد مهدی اعتصامی، انسیه جلیلی طهماسبی، سید محمد دلبری (اعضای گروه تألیف)

مدیریت آماده‌سازی هنری:

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی:

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری، نگاشتارگر [طراح گرافیک] و طراح جلد) - مصطفی حسین‌زاده (صفحه‌آرا) - بهناز بهبود، نوشین معصوم‌دوست، پری ایلخانی‌زاده، زینت بهشتی شیرازی، مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان:

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

ناشر:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارویشخ) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

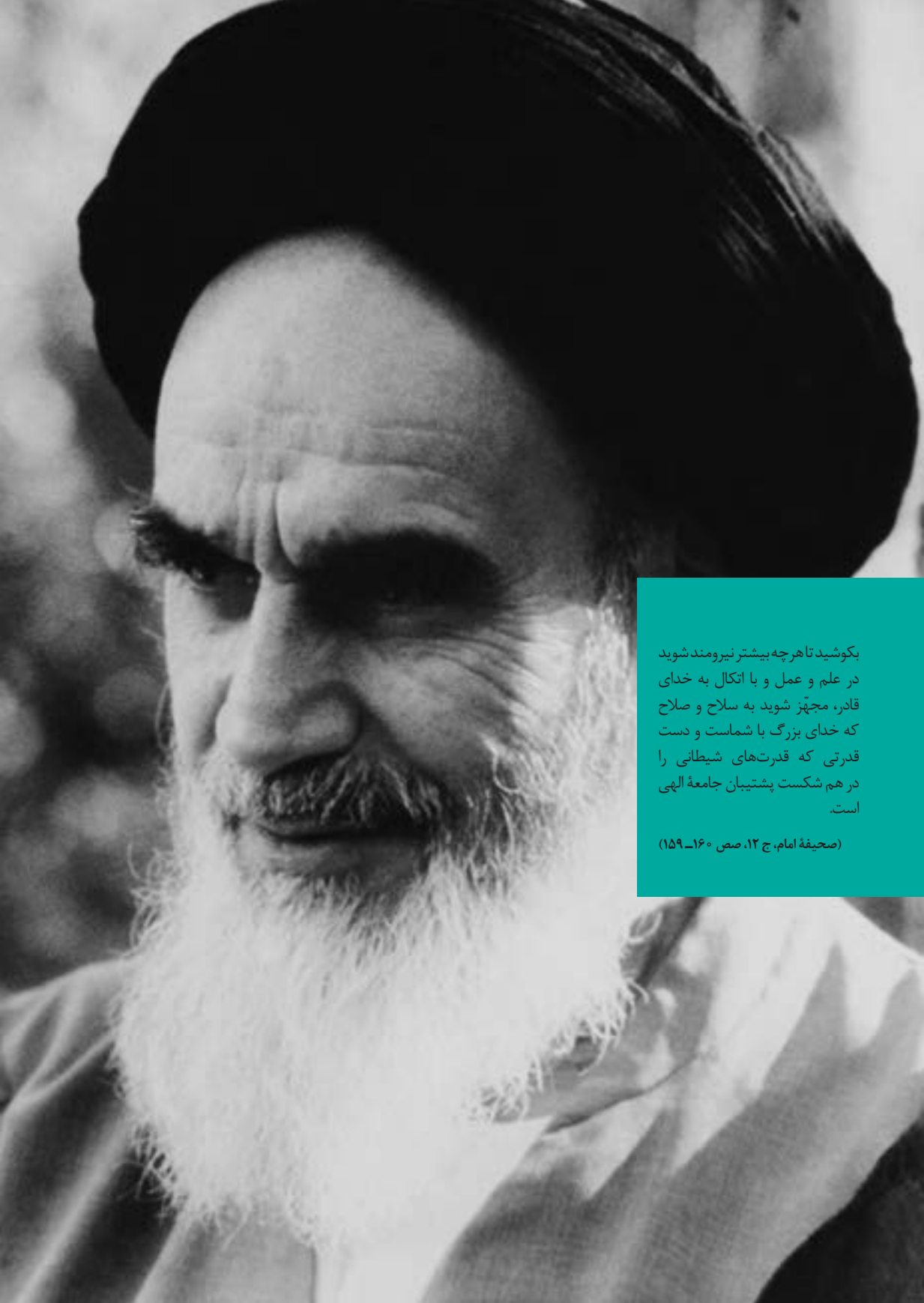
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

چاپ دوم ۱۳۹۷

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹ - ۲۹۰۸ - ۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978.964.05.2908.9



بکوشید تا هر چه بیشتر نیرومند شوید
در علم و عمل و با اتکال به خدای
قادر، مجهز شوید به سلاح و صلاح
که خدای بزرگ با شماست و دست
قدرتی که قدرت‌های شیطانی را
در هم شکست پشتیبان جامعه الهی
است.

(صحیفه امام، ج ۱۲، صص ۱۶۰-۱۵۹)

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان، ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست مطالب



۱۲	قافله هدایت	درس اول :
۲۱	ویژگی های پیامبران	درس دوم :
۳۱	هدایت مستمر	درس سوم :
۳۹	آخرین پیام آور	درس چهارم :
۴۷	معجزه جاودان	درس پنجم :
۶۰	مسئولیت های پیامبر ﷺ	درس ششم :
۷۰	امامت، تداوم رسالت	درس هفتم :
۸۳	نقش امامان در احیای دین	درس هشتم :
۹۲	وعدۀ بزرگ الهی	درس نهم :
۱۰۰	در انتظار طلوع	درس دهم :
۱۱۴	تداوم امامت در عصر غیبت	درس یازدهم :
۱۲۴	ویژگی های حکومت اسلامی (۱)	درس دوازدهم :
۱۳۶	ویژگی های حکومت اسلامی (۲)	درس سیزدهم :

سخن‌یاد بیران احمد

جهان طبیعت با ابعاد گسترده‌ای که دارد و موجودات گوناگون آن از جماد گرفته تا انسان، همه و همه بر اساس نظامی استوار پدید آمده است. نظام آفرینش که از اراده نافذ الهی سرچشمه گرفته است بر مبنای حکمت و متناسب با کمالات نامتناهی اوست. حکمت خداوندی اقتضا دارد که هیچ موجودی از موجودات این عالم بیهوده و بدون هدف خلق نشده و هیچ ذره‌ای از ذرات جهان در غیر محل مناسب خود قرار نگرفته باشد، بلکه هر موجودی در موقعیت خاص خود و برای هدفی کمالی خلق شده باشد. تردیدی نیست که حکمت الهی حکم می‌کند که موجودات به سمت کمال مطلوب خود حرکت کنند و اگر تصور شود که نظامی بهتر از نظام موجود و عالمی کامل‌تر از عالم موجود امکان تحقق داشته و خداوند از آفرینش آن دریغ کرده است، چنین تصویری هرگز با کمال و فیاضیت او سازگار نتواند بود. بنابراین، نظام موجود خلقت، بهترین و کامل‌ترین نظامی است که امکان وقوع داشته و از این‌روست که بدان نظام احسن گفته می‌شود.

در این نظام احسن، انسان موجودی مختار آفریده شده است تا با اختیار خود به حرکت استکمالی بپردازد و مراحل تکامل خود را طی کند و به آنچه شایسته آن است نایل شود و بدون شک اقتضای حکمت الهی آن است که زمینه و شرایط سیر و حرکت استکمالی برای همه موجودات نیز پدید آید و انسان نیز از این قاعده، مستثنی نخواهد بود.

کتابی که پیش رو دارید، بر محور برنامه خداوند برای رشد انسان تنظیم شده است و در ادامه مباحث اصول عقاید سال قبل می‌باشد. برای این کتاب ۳ ساعت اختصاص یافته است.

هر درس از کتاب، علاوه بر متن آموزشی دارای عناصر متعددی از جمله فعالیت‌های کلاسی، تحقیق، هم‌اندیشی و ... است. آموزش کامل، زمانی اتفاق می‌افتد که به هریک از این موضوعات به اقتضای اهمیت و جایگاهشان، پرداخته شود. حذف هر قسمت، کاستن از قطعات آموزشی درس است که به هدف نهایی آموزش آسیب می‌رساند.

محتوای هر درس به گونه‌ای طراحی شده است که مشارکت دانش‌آموزان را در فرایند آموزش در کلاس و خارج از کلاس می‌طلبد.

مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تدریس، موجب تثبیت و تعمیق یادگیری می‌شود، شوق به یادگیری را افزایش می‌دهد و در نهایت، مطلوبیت موضوع آموزش را برای دانش‌آموز به همراه دارد. از این رو، شایسته است دبیران محترم علاوه بر توجه به انجام فعالیت‌ها توسط دانش‌آموزان، شرایط و فرصت گفت‌وگو برای پاسخگویی به سؤالات آنان را فراهم کنند.

همکاران محترم توجه داشته باشند که در انجام همه فعالیت‌ها از جمله هم‌اندیشی‌ها، دبیر نقش راهنما را به عهده دارد و در فرایند انجام آن، گفت‌وگوی دانش‌آموزان را جهت‌دهی و مدیریت

می نماید و نهایتاً به جمع بندی بحث می پردازد.

عنوان «تحقیق» از عناوین تکرار شده در هر درس است. این بخش نیز جزء محتوای آموزشی است که توسط دانش آموزان تکمیل می شود و ارائه آن توسط دانش آموزان ضروری است.

شیوه ارزشیابی از درس، در دو بخش انجام می گیرد:

ارزشیابی مستمر

در ارزشیابی مستمر، فعالیت دانش آموزان از آغاز هر ترم باید مورد توجه واقع شود. نمره ارزشیابی

مستمر، شامل امور زیر است:

۱. مشارکت در فرایند آموزش، انجام اندیشه و هم اندیشی ۵ نمره
۲. انجام فعالیت های تحقیق ۵ نمره
۳. انجام بخش تعمیق یادگیری ۳ نمره
۴. آزمون های طول ترم ۷ نمره

ارزشیابی پایانی

این ارزشیابی در پایان هر نیم سال انجام می گیرد و بر اساس رویکرد کلی محتوای آموزش یعنی فهمیدن، نه حفظ کردن، استوار است، محورهای کلیدی و اصلی، محور آزمون است و از طرح مطالب حاشیه ای و فرعی نباید سؤال طرح شود.

آزمون کتبی پایان ترم، شامل امور زیر است:

۱. بخش تحقیق ۶ نمره
۲. بخش هم اندیشی ۴ نمره
۳. متن درس ها و بخش تعمیق یادگیری ۱۰ نمره

نکات بسیار مهم

۱. از محتواهای بخش «هم اندیشی» و «تحقیق» صرفاً در ارزشیابی های وزارت آموزش و پرورش، سؤال طرح می شود، اما از این بخش ها در سؤالات آزمون سراسری نباید سؤالی طرح شود.

۲. در برخی دروس، بخش هایی با عنوان «برای مطالعه»، وجود دارد. از این بخش و پاورقی ها، در هیچ آزمونی اعم از آزمون های وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سؤالی طرح نمی شود.

۳. توجه به صحت قرائت آیات در همه دروس همواره مطلوب است، اما با وجود درس مستقل علوم و معارف قرآنی، نمره ای به بحث قرائت در این درس اختصاص نمی یابد.

دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری

سخنی با دانش‌آموزان

دانش‌آموز عزیز، سلام بر شما

۱. «چگونه زیستن» یک انتخاب است. برخی آن را کم اهمیت، برخی مهم و برخی آن را بسیار مهم می‌دانند. کسانی که کمتر به این انتخاب اهمیت می‌دهند، کمتر هم درباره آن می‌اندیشند و هرطور که پیش آید، زندگی می‌کنند. اما آنان که به «چگونه زیستن» خود اهمیت می‌دهند و درباره آن تفکر می‌کنند، برای خود و وجود خود ارزش قائل‌اند و به این حقیقت توجه دارند که زندگی در این جهان یک بار رخ می‌دهد و دیگر تکرار نمی‌شود؛ و سرنوشت ما، هرچه که باشد، به همین زندگی تکرارنشده‌ی گره خورده است. از این رو، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به این حقیقت از اهمیت آن نمی‌کاهد و نتایج آن، سرانجام ما را متوجه ارزش این زندگی خواهد کرد.

۲. نوجوانی، بهترین زمان برای تفکر در «زندگی» است. شاید به همین دلیل است که بسیاری از نوجوانان در همین دوران به سؤال‌هایی می‌رسند که نقش اساسی در تصمیم‌گیری آنها دارد؛ زیرا هنوز دل مشغولی‌ها و مسئولیت‌های وی چندان زیاد نشده است که فرصت فکر کردن در این باره را از وی بگیرد. علاوه بر این، نوجوان و جوان، اهل تصمیم‌های بزرگ و قدم‌های بلند است. البته هر تصمیم بزرگ و هر اقدام شجاعانه‌ای نیازمند دقت، کاردانی و زیرکی است؛ و گرنه فرصت تکرارنشده‌ی این زندگی، از دست خواهد رفت.

۳. برای برداشتن قدم‌های بلند، باید بر زمین استوار قدم نهاد؛ چشم‌انداز راه را دید و مسیر رسیدن به آن چشم‌انداز را با اطمینان انتخاب کرد. به عبارت دیگر، حرکت نیازمند یک طرح و نقشه‌ای است که از ابتدا تا انتهای راه، مسیرهای عبور، پیچ و خم‌ها، گردنه‌های پرخطر و چگونگی گذر از آنها را

ترسیم کند تا با اجرای آن، بتوانیم به سلامت به سرمنزل مقصود برسیم.
۴. با توجه به آنچه گفته شد، ترسیم نقشه زندگی و طراحی حرکت، نیازمند پاسخ به این سؤال‌ها است:

(الف) برای چه به این جهان آمده‌ایم و هدف از خلقت ما چیست؟
(ب) برای رسیدن به هدف خلقت، چه ابزارها و سرمایه‌هایی نیاز داریم؟
(ج) به کجا می‌رویم و چه سرنوشتی در پیش داریم؟
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده است و کجا قرار دارد و به کجا می‌رود».

پس از این سؤال‌ها به این سؤال می‌رسیم:
از چه راهی باید برویم و چگونه زندگی کنیم؟
اگر به این سؤال‌ها به صورت منطقی و با دلیل پاسخ دهیم، طرح هرکس برای زندگی به دست می‌آید و پس از آن می‌داند که «چگونه باید زندگی کند».

۵. خوشبختانه در کتاب آسمانی ما قرآن کریم درباره این سؤال‌ها آیات بسیاری آمده است که با تفکر و تدبر در آنها می‌توانیم به بهترین پاسخ‌ها برسیم. خداوند، در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا».

همانا این قرآن به بهترین راه‌ها هدایت می‌کند و مؤمنان را که عمل صالح انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که پاداش بزرگی در پیش دارند.

۶. در سال‌های گذشته درباره هر یک از این سؤال‌ها، مطالبی آموخته‌ایم و نکته‌های فراوانی به دست آورده‌ایم. اکنون که شاهد رشد عقلانی شما هستیم، شایسته است که در سطحی بالاتر و با روشی منطقی‌تر به بخشی دیگر از این سؤال‌ها بپردازیم و هر سال، بخشی از «طرح زندگی» را کامل کنیم.

یادآوری

سال قبل دانستیم که موجودات جهان، همان گونه که از خداوندند، بازگشت شان هم به سوی اوست. در میان مخلوقات پیرامون ما، بازگشت انسان، یک بازگشت ویژه است. این معاد ویژه انسان ارتباط مستقیمی با ابعاد وجودی و توانمندی های او دارد و بر مبنای عمل اختیاری او، و به تعبیر دقیق تر عین عمل اوست. معاد هر انسانی با عمل اختیاری او ساخته می شود. بنابراین، باید برای انجام بهترین عمل، به درستی برنامه ریزی کرد و عقاید، اخلاق و اعمالی که موجب رستگاری در دنیا و آخرت می شود را شناخت و به آنها پایبند بود. امسال در کتاب اصول عقاید، با روش هدایتی خداوند بیشتر آشنا می شویم تا با بهره مندی از هدایت های خداوند، برای بهترین زندگی در دنیا و خوشبختی جاودان در آخرت بهتر برنامه ریزی کنیم.



آب حیات

آب، نعمت بی نظیر خداوند، جلوه زیبایی و طراوت، مظهر پاکی و زلالی و عامل اصلی ادامه حیات است. در نبود آب، از آواز دلنشین پرندگان، طراوت شکوفه‌های درختان و تبسم گل‌های زیبا و رنگارنگ طبیعت اثری نخواهد بود. آری، آب مایه حیات و اساس زندگی در جهان هستی است؛

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ^۱

انسان با آب نیازهای طبیعی و جسمی‌اش را برطرف می‌سازد و به‌طور کلی آب، حیات‌بخش جهان مادی و از جمله ما انسان‌هاست؛

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا^۲

اما حیات روح بشر وابسته به چیست؟ چه چیزی به روح و درون انسان شادابی و طراوت می‌بخشد؟ چگونه می‌توان به این اکسیر حیات دست یافت؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید؛

آنگاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که زندگی و حیات‌تان می‌بخشد.

۱-سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲-سوره فرقان، آیه ۴۹.

۳-سوره انفال، آیه ۲۴.

قافله هدایت

همه ما، نیازهای کوچک و بزرگی داریم و خوشبختی و سعادت خویش را در برآورده شدن آنها جست‌وجو می‌کنیم و رضایت از زندگی را وابسته به میزان تأمین این نیازها می‌دانیم و همواره دنبال برنامه‌ای هستیم که بتواند ما را به بهترین شکل، در برآورده ساختن این نیازها یاری کند.

احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که بتواند پاسخگوی نیازهای او باشد و سعادت بشر را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم. این مکاتب با ادعای رساندن بشر به سعادت، برنامه‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند.

آیا این برنامه‌ها می‌توانند با پاسخ به تمام نیازهای بشر، سعادت او را تضمین کنند؟

یا همچنان که انسان در هستی خود و تداوم حیاتش به خداوند نیازمند است، در پاسخ به تمام نیازهای خود وابسته به اوست؟ و مکاتب بشری قادر به پاسخگویی شایسته به نیازهایش نمی‌باشند؟

اگر چنین است خداوند چگونه به این نیازها پاسخ داده است؟



نیازهای برتر

ما انسان‌ها یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی داریم؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاه شدن از آنها را به ما نشان داده است.

اما آیا نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او است؟ پاسخ به این سؤال زمانی روشن می‌شود که اندکی از سطح زندگی روزمره فراتر رویم و در افق بالاتری بیندیشیم. در این صورت، خود را با نیازهایی مهم‌تر روبه‌رو می‌بینیم. این نیازها به تدریج به دل مشغولی، دغدغه و بالاخره به سؤال‌هایی تبدیل می‌شوند که تا پاسخ آنها را نیابیم، آرام نمی‌گیریم. پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می‌کند. برخی از این نیازها عبارت‌اند از:

۱ درک هدف زندگی: انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند؟» و کدام هدف است که به زندگی‌اش معنا می‌بخشد و می‌تواند با اطمینان خاطر زندگی‌اش را صرف آن نماید؟ اهمیت شناخت هدف زندگی به گونه‌ای است که پیوسته این دعا بر زبان امام سجّاد علیه السلام جاری بود:

«خدا یا ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای»^۱

به راستی آن هدف کدام است؟

۲ درک آینده‌خویش: انسان با کمک عقل خود می‌تواند بداند که آینده‌ای دارد و با مرگ نابود نمی‌شود. اما آینده‌ او چگونه است؟ در کجا اتفاق می‌افتد؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ توشه سفر به آنجا چیست؟ و خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟

۳ کشف راه درست زندگی: راه زندگی یا «چگونه زیستن» دغدغه دیگر انسان‌های فکور و خردمند است. انسان، فرصتی تکرارنشدنی در دنیا دارد و باید از بین همه راه‌هایی که پیش روی اوست، راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد و بتواند از همه سرمایه‌هایی که به او داده شده است به خوبی بهره‌مند شود و به هدفی که در پس خلقت خود دارد، برسد.

۱- وَ اسْتَغْرِغْ أَيْامِي فِي مَا خَلَقْتَنِي لَهُ. «دعای مکارم الاخلاق».



الف) پاسخ به سؤال‌هایی از قبیل چیستی «هدف انسان»، «آینده او» و «راه درست زندگی»، رابطه مستقیمی با سعادت انسان دارد. پاسخ به این سؤالات باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

۱) کاملاً درست و قابل اعتماد باشد؛ زیرا،

۲) به نیازهای انسان به صورت هماهنگ پاسخ دهد؛ زیرا،

۳) ناظر به آینده انسان باشد؛ زیرا،

ب) با توجه به ویژگی‌های بالا، کسی که بخواهد به این پرسش‌ها پاسخ دهد چه آگاهی‌هایی باید داشته باشد؟

ج) آیا دستگاه تفکر انسان به تنهایی می‌تواند به این سؤالات پاسخ کامل دهد و مسیر سعادت خویش را به تنهایی طراحی کند؟ چرا؟

خداوند و نیازهای برتر انسان

دانستیم که انسان به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای برتر خود نیست؛ اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا خداوندی که در دستگاه عظیم خلقت، به نیازهای طبیعی و غریزی انسان پاسخ داده، او را در وادی نیازهای برتر و متعالی سرگردان رها کرده است؟ توجه به برخی از اسماء و صفات خداوند متعال، مانند «ربوبیت»، «حکمت»، «رحمت» و «هدایت‌کننده=هادی» پاسخ این سؤال را روشن خواهد کرد.

■ ربوبیت : خداوند، خود را «رب» یعنی پرورش‌دهندهٔ انسان معرفی کرده است،

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ^۱

خداوند، پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست.

خداوند، خالق آدمی و آگاه بر اسرار و ویژگی‌های خاص وجود انسان است؛ بنابراین، کسی جز او نمی‌تواند بشر را پرورش دهد و به کمال برساند. اگر اسباب پرورش انسان را فراهم نکند، ربوبیت او به طور کامل محقق نمی‌شود و ناقص می‌ماند. درحالی که به حکم عقل و نقل، هیچ نقصی در اوصاف الهی ممکن نیست.

■ حکمت: خداوند حکیم است، یعنی تمام کارهای او دارای هدفی متعالی است؛ و برای خلقت انسان نیز هدفی بزرگ مقرر نموده است،^۲ تحقق کامل این هدف، در صورتی ممکن است که شرایط آن فراهم باشد.

■ لطف و رحمت : خداوند نسبت به تمام مخلوقات، لطف و رحمت دارد؛ «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ»^۳ و این مهربانی الهی باعث می‌شود که او بندگان خود را از ضلالت و شقاوت برحذر بدارد و شرایط سعادت و کمال را فراهم آورد.



۱- سورة صافات، آیه ۱۲۶.

۲- در سال گذشته با مفهوم حکمت الهی و هدف خلقت انسان آشنا شدیم.

۳- سورة شوری، آیه ۱۹.

■ **هدایت‌گری:** راهنمایی و هدایت مخلوقات، کار خداست. زیرا او با دانش نامحدود خود، راه رسیدن هر آفریده به کمال خویش را مقدر فرموده است و هر یک را به سمت و سوی سعادت خویش رهنمون می‌شود؛ چرا که هدایت‌کنندگی یکی از صفات الهی و «هادی» یکی از اسماء اوست؛ از این رو، خداوند به مقتضای آنکه هدایتگر است، بر خود لازم کرده تا اسباب هدایت بشر را به انجام برساند و هادی بودن خود را نسبت به بشر محقق نماید. بنابراین اوصاف الهی حکایت از آن دارد که خداوند به نیازهای بشر پاسخ داده باشد تا زمینه سعادتش را فراهم کند. اما چگونه؟

شیوه پاسخگویی به نیازهای برتر

رب و پروردگار جهان، هر مخلوقی را براساس حکمتش برای هدفی معین خلق می‌کند و به اقتضای رحمتش برای رسیدن به آن هدف، او را هدایت می‌فرماید. پس هدایت، یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.

اما شیوه هدایت مخلوقات متفاوت است. توضیح آنکه هر مخلوقی، متناسب با ویژگی‌ها و محدودیت‌هایی که دارد، هدایت می‌شود.^۱

انسان، سرمایه ویژه‌ای به نام قدرت تفکر و اندیشه دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند. انسان به شرط وجود شرایط مناسب با این قدرت، می‌تواند به بسیاری از مجهولات و مسائل روزمره پاسخ دهد، اما پیش از این دانستیم که به سبب محدودیت‌هایی که دارد، اقرار می‌نماید که قادر نیست به سؤالات بنیادین انسان، پاسخ راهگشا ارائه نماید، مگر آنکه یاریگری در این زمینه داشته باشد. به همین دلیل خداوند برنامه هدایت انسان را که در برگیرنده پاسخ به سؤالات بنیادین اوست از طریق پیامبران می‌فرستد تا انسان با تفکر در این برنامه، هدف خلقت خویش را درک کند و با آن به زندگی خود معنا بخشد، آینده روشنی که برایش ترسیم شده بشناسد و با کسب معرفت و تشخیص پایدها و نبایدها، راه صحیح زندگی را بیابد و پیش رود.

۱- به طور مثال، زنبور عسل که ساختمان بدنی ویژه خود را دارد و برای تولید عسل باید مکان مخصوص خود را تهیه کند، خداوند او را هدایت می‌کند تا آن کندوی مخصوص را بسازد (سوره نحل: آیه ۶۸).

امام کاظم علیه السلام به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم، فرمود :

«ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آنکه بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»
«ای هشام، خداوند دو حجت بر مردم دارد : حجتی آشکار و حجتی نهان. حجت آشکار، رسولان و انبیاء و ائمه‌اند و حجت نهان، همان عقل انسان‌هاست.»^۱

بنابراین با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سؤال‌های اساسی دست یافت. البته انسان به علت دارا بودن اختیار می‌تواند راه‌های دیگری را نیز برگزیند. اما چون هیچ برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند نمی‌تواند پاسخ درستی به آن نیازها بدهد، انسان زیان خواهد کرد و با دست خالی دنیا را ترک گفته و به دیار آخرت خواهد شتافت و در آنجا زیان خود را مشاهده خواهد کرد. قرآن کریم چنین کسی را «ناسپاس» نامیده و می‌فرماید :

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۲

علت ناسپاس نامیده شدن چنین فردی، این است که وی برنامه اطمینان‌بخش را دیده، اما از انتخاب آن سرپیچی کرده است. عمل این فرد مانند کسی است که در هنگام تشنگی، ظرف آب گوارا را از دست دوست نگیرد و به بهانه اینکه انتخاب با خودم است، آگاهانه جام زهری را که ظاهراً شیرین است، بنوشد. البته چنین انسان ناسپاسی، گرفتار عمل خود خواهد شد و به عواقب کار خود خواهد رسید.

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹.

۲- سوره انسان، آیه ۳.

۱ کدام یک از افراد زیر از حیات حقیقی برخوردارند؟ چرا؟

(الف) پیروان بودا

(ب) حواریون حضرت عیسی علیه السلام

۲ در مورد نیازهای بنیادین به سؤالات زیر پاسخ دهید :

(الف) اصلی‌ترین تفاوت نیازهای بنیادین با سایر نیازها چیست؟

(ب) هر یک از موارد زیر به کدام یک از نیازهای بنیادین انسان اشاره دارند؟

■ تلاش بعضی از افراد برای احضار ارواح درگذشتگان و سؤال از وضعیت آنها

■ از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می‌روم آخر، نمایی وطنم

■ مرد خردمند هنر پیشه^۱ را عمر دو بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن با دگری تجربه بردن به کار^۲

۳ دلیل بیاورید.

(الف) هیچ کس جز خدا نمی‌تواند به نیازهای بنیادین انسان پاسخ دهد.

(ب) پاسخ به نیازهای بنیادین باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشد.

(ج) هدایت الهی، یک اصل عام و همگانی است.

(د) تنها موجودی که برای دستیابی به سعادت نیازمند پیامبران می‌باشد، انسان است.

۴ ضرورت وجود پیامبران را اثبات کنید.

۵ چرا بر اساس آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ...» کسانی که از پذیرش دعوت پیامبران سر باز

می‌زنند، ناسپاس (کفور) نامیده شده‌اند؟

۶ منظور از حجت آشکار و نهان چیست؟ ارتباط آنها را با یکدیگر بیان کنید.

۷ بین دو آیه زیر ارتباط برقرار کنید.

(الف) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

(ب) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ^۳

۱- هنر پیشه : کاردان و با فرهنگ.

۲- سعدی.

۳- سوره عصر، آیه ۲.

۸ در هر یک از آیات زیر به کدام یک از ویژگی‌های پاسخ نیازهای بنیادین اشاره شده است؟

الف) وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا^۱

ب) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^۲

۹ صحیح و غلط را با ذکر دلیل تعیین کنید.

الف) هدایت انسان توسط پیامبران، دلیل وجود قوه تفکر در انسان است.

ب) تفاوت انسان با سایر موجودات در این است که خداوند تمام نیازهایش را با فرستادن پیامبران پاسخ می‌دهد.

ج) شاکر یا ناسپاس نامیده شدن انسان در قرآن، نشانه مختار بودن اوست.

۱۰ قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ^۳»

این آیه به کدام یک از مفاهیم درس اشاره دارد؟ چگونه؟

هم اندیشی

۱) با توجه به پیشرفت‌های عظیم علوم تجربی، انسان امروز چه قدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟ به عبارت دیگر آیا نیازهایی که انسان‌های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می‌کشاند، همچنان با برجاست؟

۲) آیا با بیمودن هر راهی و با هر سلیقه‌ای می‌توان به مقصد نهایی و سعادت واقعی رسید؟ چرا؟

۳) آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به این نیازها را نادیده بگیرد و براساس ضرب‌المثل «هرچه پیش آید خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟

۱- سوره نساء، آیه ۸۷.

۲- سوره بقره، آیه ۲۰۱.

۳- سوره زمر، آیه ۴۱.

فردی می‌گوید «یکی از دوستان من که مدت‌ها برای انتخاب راه درست زندگی، دچار سرگردانی بود، با جریانی به نام «اومانسیم» مواجه شده است. اما اطلاعی دربارهٔ این جریان ندارد». با بررسی ویژگی‌های این جریان، ویژگی‌های اصلی آن را بنویسید و به این سؤال پاسخ دهید که آیا این جریان می‌تواند سعادت انسان را تضمین کند؟ چرا؟

ویژگی های پیامبران

در درس گذشته دانستیم که خدای حکیم با فرستادن پیامبران به نیازهای بنیادین انسان در خصوص شناخت هدف زندگی، درک آینده و همچنین کشف راه درست زندگی پاسخ می‌دهد؛ پاسخ جامع و اطمینان‌بخشی که موجب حیات روح و سعادت او می‌شود.

در این درس می‌خواهیم بدانیم که پیامبران الهی باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشند تا امر هدایت الهی بتواند به بهترین شکل ممکن از طریق آنها محقق شود؟

پیامبران چگونه و از چه طریقی پیام هدایت‌بخش الهی را دریافت کرده و در اختیار انسان قرار می‌دهند؟

چه دلیلی هست که پیامبران در ادعای ارتباط خود با خداوند یعنی ادعای پیامبری، صادق باشند؟

چه تضمینی وجود دارد که آنها در ابلاغ پیام الهی به انسان‌ها دچار هیچ‌گونه خطا و اشتباهی نشوند؟

ویژگی های پیامبران

الف) وحی

وحی در لغت معانی گوناگونی از جمله اشاره، پیام، سخن پوشیده، شتاب و عجله، اعلام در خفا و القای کلام یا پیام و نوشته‌ای به دیگران و... را دارد.^۱

این واژه به واسطه این معانی گوناگون، دارای کاربردهای مختلفی در قرآن کریم است. از بین آنها وحی اصطلاحی که عالی‌ترین درجه آن نیز محسوب می‌شود، وحی خداوند به پیامبران است. وحی در این مرتبه، به معنای القای معانی و معارف از سوی خداوند به قلب پیامبر^۲ است. از این طریق، برنامه هدایت الهی به پیامبران داده می‌شود و آنان این برنامه را به مردم ابلاغ می‌نمایند.

بر اساس آیات قرآن، دریافت وحی توسط پیامبران به طرق گوناگونی انجام می‌شود:

وَمَا كَانَ لِشَيْءٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا
فِي وَحْيٍ بَيِّنَةٍ مَأْتِيًا...^۳

و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می‌فرستد و به فرمان او آنچه را بخواهد وحی می‌کند.

بر اساس این آیه، گاهی وحی به وسیله فرشته‌ای که حامل پیام است، انجام می‌گیرد. فرشته آسمانی، سخن خدا را حکایت می‌کند (رُسُلَ رَسُولًا...) چنان‌که قرآن یا بخشی از آن به این طریق یعنی به وسیله جبرئیل بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است. گاهی ممکن است خالق جهان، با ایجاد صوت از پشت حجابی با پیامبر خود سخن بگوید (مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...) مانند مکالمه‌ای که خداوند در وادی طور با حضرت موسی عليه السلام داشت. گاهی نیز دستورات الهی مستقیماً به روح و قلب پاک پیامبران، القاء می‌شود و خداوند بدون واسطه با آنان گفت‌وگو می‌کند (إِلَّا وَحْيًا...).

۱- خسرویناه، عبدالحسین، کلام نوین اسلامی؛ ج ۱؛ ص ۱۱۲.

۲- تَوَلَّىٰ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينُ. عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ. سوره شعراء، ۱۹۴-۱۹۳.

روح الامین، آن را نازل کرده است. بر قلب تو، تا از اندازکنندگان باشی.

۳- سوره شوری، آیه ۵۱.

طرح یک اشکال

آیا امکان ندارد پیامبر بین القای شیطانی و القای الهی اشتباه کند؟ به عبارت دیگر، پیامبر چگونه می‌فهمد که آنچه دریافت کرده از جانب خداست و نه از طرف شیطان؟ در پاسخ به این اشکال بایستی گفت: اگر پیامبر نتواند وحی الهی را از وحی شیطانی تشخیص دهد، نمی‌تواند به هدایت بشر پردازد و این با فلسفه ارسال انبیاء از جانب خدا که ریشه در حکمت او دارد، در تناقض است. بنابراین آگاه بودن پیامبر به الهی بودن منبع وحی از ضروریات اصل نبوت است.

■ (ب) معجزه

پس از آنکه وحی را به عنوان مشخصه اصلی پیامبران مورد بحث قرار دادیم، اکنون جای طرح این سؤال است که از کجا می‌توان اطمینان حاصل کرد که فردی که ادعای نبوت می‌کند، با خدا در ارتباط است و آنچه را بیان می‌کند، همان وحی و پیام الهی است؟ فلاسفه و متکلمان، ملاک‌های مختلفی را برای تشخیص این موضوع یعنی صدق ادعای نبوت، مطرح کرده‌اند. برخی از این ملاک‌ها، اوصاف و شرایطی هستند که وجود آنها برای نبوت، شرط لازم است، اگرچه شرط کافی نیست. به عبارت دیگر، اگر فردی، یکی از این اوصاف را نداشته باشد، حتماً نبی نیست اما داشتن این اوصاف هم دلیل قطعی بر نبوت نمی‌باشد. برخی از این اوصاف، عبارت‌اند از اینکه تعالیمی که پیامبر، مردم را به آن دعوت می‌کند، عقلانی باشد؛ انسان‌ها را فقط به اطاعت از خداوند و احتراز از گناه و نافرمانی او دعوت کند؛ ظلم‌ستیزی از ویژگی‌های مشی و روش او باشد و همچنین از اخلاق و رفتار زشت و ناپسند به دور باشد.

دسته دیگری از ملاک‌ها برای تشخیص صداقت فرد در ادعای نبوت، اوصاف و شرایطی هستند که وجود آنها برای اثبات نبوت او کفایت می‌کند، یعنی اگر فردی، واجد این ویژگی‌ها باشد حتماً پیامبر است. خبر دادن پیامبر قبلی از نبوت او و معجزه — که در این بخش به عنوان یکی از ویژگی‌های نبی به آن می‌پردازیم — از این دسته از اوصاف هستند.^۱ مهم‌ترین روش برای تشخیص نبی از غیر او و رایج‌ترین ملاک تعیین صدق ادعای نبوت،

۱- فرامرز قراملکی، احد، شرح جامع تجرید الاعتقاد؛ ص ۱۴۵-۱۳۹.

معجزه است. از این رو، در بسیاری از منابع به بیان همین ملاک برای تشخیص این امر، اکتفا شده است.

معجزه در لغت به معنای ناتوان کننده، و چیزی است که موجب ناتوانی باشد^۱. از همین رو، دانشمندان اسلامی برای کار خارق العاده ای که پیامبر هم زمان با ادعای نبوت و مطابق با آن ادعا و به منظور اثبات ارتباط خود با خدا، انجام می دهد و بشر از انجام آن ناتوان است، از نام معجزه بهره گرفته اند؛ گرچه قرآن کریم برای این امور، از عبارت «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت استفاده کرده است. این کار خارق العاده باید مطابق با ادعای نبی نیز باشد. براساس این تعریف، معجزه دارای چند رکن است که آن را از امور مشابه جدا می سازد:

(۱) خارق العاده بودن: معجزه امری است که بشر از انجام آن ناتوان است.

(۲) همراه با ادعای نبوت: معجزه باید همراه و هم زمان با ادعای نبوت باشد، وجود این ویژگی باعث می شود امور خارق العاده فوق بشری که پیش از ادعای نبوت رخ داده باشند، معجزه محسوب نشوند. این گونه امور، در اصطلاح دانشمندان اسلامی، «ارهاص» نامیده می شوند؛ مانند شکسته شدن طاق کسری^۲ به هنگام تولد پیامبر اکرم ﷺ.

(۳) مطابقت با ادعا: به این معنا که امر خارق عادتی که انجام می شود، با آنچه ادعا شده است مطابقت داشته باشد. به عنوان مثال، اگر فردی که ادعای نبوت کرده است، برای اثبات ادعای خود بگوید که از چاه خشکی، آب جاری خواهیم کرد اما نه تنها موفق به این کار نشود بلکه سبب خشک شدن چاه پر آب دیگری نیز شود. وی گرچه کار خارق العاده ای انجام داده است، اما این امر، معجزه تلقی نخواهد شد. این معیار می تواند باعث رسوا شدن کسانی گردد که به دروغ، ادعای پیامبری می کنند؛ چنان که در تاریخ نیز مواردی از این دست، ذکر شده است^۳.

اندیشه

برخی از اولیای الهی اموری انجام داده اند که خارق عادت است. آیا این امور را می توان معجزه نامید؟ چرا؟

۱- همان؛ ص ۱۴۶.

۲- مُسْبِلْمَه كَذَّاب، أَسْوَدُ الْعَنْسَى وَ حَارِثُ كَذَّابِ بَرخی از این مدعیان دروغین نبوت هستند.

ارتباط معجزه با زمان

از آنجا که معجزه باید صدق ادعای پیامبران را ثابت کند، باید به گونه‌ای باشد که مردم، معجزه بودن آن را درک کنند. لازمه این امر، این است که فوق بشری بودن کاری که پیامبران به عنوان معجزه انجام می‌دهند، برای مردم عصر همان پیامبر، قابل درک و آشکار باشد. با توجه به اینکه درک و فهم مردم هر عصر، ارتباط مستقیمی با شرایط و مقتضیات آن زمان دارد، غالباً معجزات پیامبران متناسب با این شرایط و مقتضیات است. امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ به سؤال یکی از یاران خود در این رابطه، به همین نکته، اشاره فرمودند.

او از امام پرسید: «چرا خداوند پیامبران را با معجزه‌های مختلف برانگیخت؟ موسی علیه السلام را با معجزه عصا و ید بیضا، عیسی علیه السلام را با معجزه بینا کردن کور مادرزاد و شفای بیمار مبتلا به برص و زنده کردن مردگان و محمد صلی الله علیه و آله را با معجزه قرآن؟ امام فرمودند: زمانی که خداوند حضرت موسی علیه السلام را با معجزه عصا و دست نورانی برانگیخت، سحر و جادو کار مرسوم بود و موسی علیه السلام با این اعجاز بر همه سحر و جادوها غلبه نموده و حجت را بر مردم تمام کرد.



زمانی که خدا عیسی علیه السلام را با معجزه شفا دادن کور و بیمار مبتلا به برص و زنده کردن مرده‌ها مبعوث کرد، درمان و معالجه‌های مختلف کار مرسوم و شایعی بود و حضرت عیسی نیز با این اعجاز همه را مقهور اعجاز خداوندی ساخت.



حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز در زمانی با قرآن مبعوث شد که کار رایج در آن زمان سرودن شعر بود. پیامبر خدا نیز با قرآن بر شعر آنان پیروز شد و حجت را بر آنان تمام کرد^۱.

■ ج) عصمت

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم پیامبران، عصمت است. واژه «عصمت» از ریشه «عصم» در عربی به معنای منع و امساک و در فارسی به معنای نگهداری و جلوگیری است^۲. در تبیین این ویژگی باید گفت: پیامبر، زمانی می‌تواند مسئولیت‌های خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتکب گناه، خطا و اشتباه نگردد. مردم نیز زمانی گفته‌ها و هدایت‌های وی را می‌پذیرند که مطمئن باشند هیچ‌گاه، مرتکب گناه و اشتباه نمی‌شود زیرا در غیر این صورت به او اعتماد نمی‌کنند و از وی پیروی نخواهند کرد.

ارتباط عصمت با اختیار: در رابطه با عصمت همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۰.

۲- خسروپناه، عبدالحسین، کلام نوین اسلامی؛ ج ۱، ص ۱۳۰.

برخورداری از عصمت، با اختیار پیامبران منافات دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا معصوم در عین برخورداری از ویژگی عصمت، همچنان می‌تواند مرتکب گناه، خطا و اشتباه شود یا دیگر قدرتی برای انجام آنها ندارد؟

ویژگی عصمت، توسط خداوند به پیامبر اعطا می‌شود ولی اولاً این اعطا نتیجه‌دستیابی پیامبر به مقامی است که آن را با انجام اعمال و رفتار خود و به صورت کاملاً اختیاری کسب کرده است و لذا برای ایشان، فضیلت و ارزش محسوب می‌شود. ثانیاً گرچه با اعطای این مقام، خداوند پیامبر را از ارتکاب هر گونه گناه و خطا و اشتباه، حفظ می‌کند ولی ایشان همچنان قادر به انجام این امور هست و لذا وجود عصمت، باعث سلب اختیار نبی نمی‌شود. اکنون سؤال اینجاست که اگر پیامبر، مجبور به ترک گناه و خطا و... نیست، پس چرا هرگز مرتکب آنها نمی‌شود؟ پاسخ این است که ترک گناه و... از طرف پیامبر، ریشه در علم و تقوای او دارد. در واقع، پیامبر به واسطه بیش عمیقی که نسبت به حقیقت و نتایج هر عملی دارد، درک کاملی از زشتی عصیان در مقابل پروردگار خود دارد و همچنین به دلیل برخورداری از مراتب بالای تقوا از ارتکاب گناه و عصیان خودداری می‌کند. تقوا ویژگی‌ای است که هر کس بدان دست یابد، این قدرت را پیدا می‌کند که در مقابل وسوسه‌های شیطان و هواهای نفسانی بایستد و از صراط مستقیم منحرف نشود. چنین کسی رضای الهی را بر هر امر دیگری ترجیح می‌دهد و به هیچ قیمتی مرتکب کاری نمی‌شود که با رضای خداوند منافات داشته باشد.

۱ دلیل بیاورید.

(الف) لازم است پیامبران، الهی بودن منبع وحی را تشخیص دهند.
 (ب) امر خارق العاده ای که مدعی نبوت انجام می دهد، باید مطابق با ادعای او باشد.
 (ج) ترک گناه از جانب پیامبر برای او یک ارزش محسوب می شود.

۲ ارتباط دهید.

(الف) وحی - معجزه

(ب) هدایت بشر - عصمت پیامبر

۳ صحیح و غلط را با ذکر دلیل تعیین کنید.

(الف) خبر دادن حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام از نبوت پیامبر اسلام، برای اثبات پیامبری حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امری لازم است نه کافی.
 (ب) اگر پیامبری در مقام اجرای وحی، معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می شود.
 (ج) وحی در قرآن به معنای القای معانی و معارف از سوی خداوند به قلب پیامبر است.

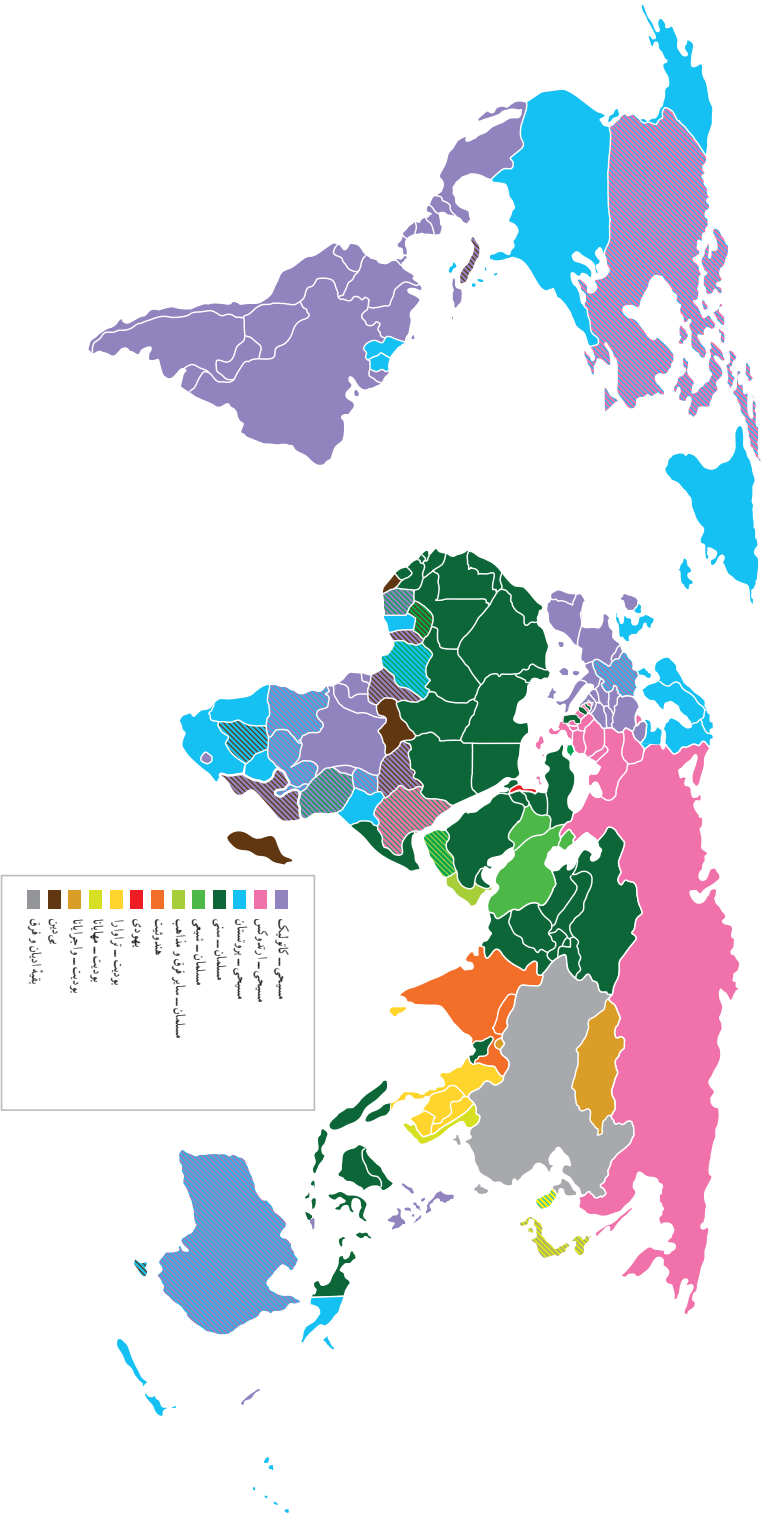
۱) فردی می گوید: «اگر قرآن که کلام الهی است می تواند معجزه باشد، چرا وحیی که به سایر انبیاء مانند حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام صورت می گرفت، به عنوان معجزه مطرح نشد؟» پاسخ او را چگونه می دهید؟
 ۲) شخصی می گوید: «اگر عصمت پیامبران، جبری نیست و پیامبران در عین برخوردار از عصمت، مختار هستند، چرا هرگز هیچ پیامبری گناه نکرده است؟!» پاسخ او را چگونه می دهید؟



۱) با مراجعه به قرآن کریم، آیاتی که نشان دهد به غیر پیامبر هم وحی می‌شود پیدا کنید و به کلاس ارائه دهید.

۲) آیا القای وحی از طرف غیر خدا در قرآن کریم مطرح شده است یا خیر؟ آیا این القا از منبع خیر بوده یا نه؟

پراکندگی پیروان ادیان الهی و مکاتب بشری



هدایت مستمر

دانستیم خداوند براساس حکمت، لطف و ربوبیت خود، ما انسان‌ها را تنها نگذاشته و هدایت ما را با ارسال پیامبران متعددی برعهده گرفته که با برخی از آنها که نامشان در قرآن کریم یا برخی کتب تاریخی آمده است آشنا هستیم. ایشان مسئولیت ابلاغ و رساندن برنامه (دین) رابه مردم برعهده داشتند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود: آیا این پیامبران یک برنامه و دین را برای مردم آورده‌اند یا آنکه خداوند با ارسال پیامبران متعدد در طول تاریخ، راه‌ها و ادیان متعددی در اختیار بشر قرار داده است؟



پس از قرائت آیات و تأمل در آنها به سؤالات پاسخ دهید؟

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الْاٰدٰى اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهٖ اِبْرٰهِيْمَ وَ مُوسٰى وَ عِيسٰى اَنْ اَقِيْمُوا الدِّيْنَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيْهِ^۱

اِنَّ الدِّيْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَ مَا اٰخْتَلَفَ الْاٰدِيْنَ اَوْ ثَوٰا الْكِتٰبِ اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيٰتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ .^۲

مِلَّةَ اَبِيكُمْ اِبْرٰهِيْمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِيْنَ مِنْ قَبْلُ^۳

مَا كَانَ اِبْرٰهِيْمُ يَهُودِيًّا وَ لَا نَصْرَانِيًّا وَ لَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا^۴

اکنون به این سؤالات پاسخ دهید :

- (الف) خداوند از پیامبران می‌خواهد در چه چیزی متفرق نشوند؟
- (ب) دین مورد قبول نزد خداوند کدام است؟
- (ج) اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) درباره چه چیز اختلاف کردند؟ علت اختلاف آنها چه بود؟
- (د) حضرت ابراهیم علیه السلام چه دینی داشت؟
- (هـ) مسیحیان و یهودیان او را پیرو چه دینی می‌دانستند؟



دین به معنی «راه» و «روش» است. راه و روشی که خداوند برای زندگی انسان‌ها برگزیده، همان دین الهی است که بدان اسلام می‌گویند. بر اساس آیات قرآن کریم خداوند

۱- سورة شوری، آیه ۱۳.

۲- سورة آل عمران، آیه ۱۹.

۳- سورة حج، آیه ۷۸.

۴- سورة آل عمران، آیه ۶۷.

یک دین برای انسان‌ها فرستاده و به همه پیامبران فرمان داده است همان دین را در میان مردم تبلیغ کنند و راه تفرقه در پیش نگیرند.^۱ انبیاء هم این فرمان را اطاعت کرده و مأموریت خود را انجام داده‌اند.

حال شناسیده است بدانیم، چرا خداوند فقط یک دین برای هدایت بشر فرستاده است؟

فطرت مشترک، منشأ دین واحد

فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است. وقتی از فطرت انسان سخن می‌گوییم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی است که خداوند در اصل آفرینش وی قرار داده است. از ابتدای آفرینش انسان تاکنون، اقوام مختلفی روی زمین زندگی کرده‌اند؛ این افراد با اینکه در برخی خصوصیات مانند نژاد، زبان، و آداب و رسوم با یکدیگر تفاوت دارند ولی همه، ویژگی‌های فطری مشترکی دارند. به طور مثال همه انسان‌ها:

- از استعداد تفکر و قدرت اختیار برخوردارند.
 - فضیلت‌های اخلاقی مانند عدالت و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، حسادت و دروغ بیزارند.
 - به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند.
 - از فنا و نابودی گریزان و در جست‌وجوی زندگی جاودانه هستند.
- به سبب این ویژگی‌های مشترک (فطرت)، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها عنایت کرده تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند. همان طور که گفته شد این برنامه، اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است. در این برنامه از انسان خواسته می‌شود تا با اندیشه در خود و جهان هستی به ایمان قلبی دست یابد. ایمان به

- خدای یگانه و دوری از شرک
- فرستادگان الهی و راهنمایان دین
- سرای آخرت، و پاداش و حسابرسی عادلانه
- عادلانه بودن نظام هستی

۱- در قرآن نیز هرگز از واژه ادیان استفاده نشده است و همواره واژه «دین» به صورت مفرد به کار رفته تا گویای وحدت دین الهی باشد.

و در حیطة عمل، از انسان خواسته می‌شود با ایمانی که کسب کرده است تلاش نماید تا:

- با انجام واجبات دین و ترک حرام‌های آن، خداوند را عبادت و بندگی کند.
- فضایل اخلاقی مانند عفت، راستگویی، امانت‌داری را کسب نماید و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، نفاق، دروغ و ریا دوری کند.
- جامعه ای دینی بر اساس عدالت بنا نماید.

همه پیامبران الهی مردم را به این امور فراخوانده‌اند. به همین دلیل محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان است و همه آنها یک دین آورده‌اند. با این وجود، تعالیم انبیاء در برخی احکام فرعی، متناسب با زمان و سطح آگاهی مردم و نیازهای هر دوره با یکدیگر تفاوت داشته است؛ مثلاً همگی پیامبران به نماز دعوت کرده‌اند، اما در شکل و تعداد آن تفاوت‌هایی بوده است؛ البته این قبیل تفاوت‌ها سبب تفاوت در اصل دین نشده است.



دین واحد، پیامبران متعدّد

دانستیم که دین الهی واحد است اما جامعه بشری در طول هزاران سال، شاهد حضور ده‌ها هزار پیامبر الهی بوده است. به راستی چرا نبوت‌ها تجدید می‌شدند و پیامبران در پی هم می‌آمدند و کتب آسمانی توسط آنها به بشریت ارائه می‌شد؟! فرستادن پیامبران متعدّد به این دلایل بوده است:

الف) استمرار و پیوستگی در دعوت: لازمه ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان استوار و تلاش بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف، دین الهی را تبلیغ می‌کردند. آنان سختی‌ها را تحمل می‌کردند تا خداپرستی، عدالت‌طلبی و کرامت‌های اخلاقی میان انسان‌ها بماند و گسترش یابد و شرک و ظلم و رذائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد تعالیم الهی جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.

از سوی دیگر، تربیت که رکن اساسی دین است نیازمند حضور مربیان الهی است. زیرا هیچ تربیتی بدون مربی و الگو صورت نمی‌گیرد. پیامبران علاوه بر تبلیغ و ترویج مستمر دین

۱- پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «خداوند بزرگ یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر آفرید» (بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۰).

با ارائه الگوی عملی به صورت مستقیم به تربیت و تزکیه انسان‌ها می‌پرداختند و حضور دین انسان‌ساز الهی را در جامعه بشریت تداوم و تضمین می‌بخشیدند.

ب) رشد تدریجی سطح فکر مردم: علت دیگر آمدن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن مانند دانش و فرهنگ می‌باشد.

از همین رو لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند تا همان اصول ثابت دین الهی را درخور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند. در حقیقت هر پیامبری که مبعوث می‌شد، درباره توحید، معاد، عدالت، عبادت خداوند و مانند آن سخن گفته اما بیان او در سطح فهم و درک مردم زمان خود بوده است.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا

ما پیامبران مأمور شده‌ایم

أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عُقُولِهِمْ^۱ که با مردم به اندازه عقل‌شان سخن بگوییم

پیامبران الهی علاوه بر تعلیم و تبیین اصول ثابت دین متناسب با ویژگی‌های مخاطبان، به شبهات به وجود آمده در آن دوران پاسخ می‌دادند؛ و یا گاهی پاسخ‌هایی افزون‌تر به پرسش‌ها و شبهات قدیم‌تر ارائه می‌کردند و بدین‌سان در هر زمانی از سوی خدا، بر مردم اتمام حجت می‌کردند.

ج) تحریف: به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیاء به تدریج فراموش می‌شد. علاوه بر آن به گواهی تاریخ و سخنان خود پیامبران و کتب آسمانی، همواره گروهی از مخالفین آیین الهی که منافقانه خود را مؤمن جلوه می‌دادند و تحت تأثیر قدرتمندان ظالم و ثروتمندان مُسرف و بی‌ایمان بودند، پس از مرگ هر پیامبری، آموزه‌ها و قوانین دین را دگرگون می‌کردند و با کم یا زیاد کردن (تحریف لفظی) و یا تغییر در تفسیر و برداشت از متون دینی (تحریف معنوی) آن آیین را تحریف می‌کردند. به گونه‌ای که آیین با اصل آن متفاوت می‌شد؛ بر این اساس پیامبران بعدی می‌آمدند و تعلیمات اصیل و صحیح را بار دیگر به مردم ابلاغ می‌کردند.

۱- کلینی محمدبن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۲۳.

به نظر شما اگر خداوند در همان آغاز آفرینش حضرت آدم، برنامه خود برای زندگی انسان را یکبار برای همیشه به حضرت آدم نازل می‌کرد، چه اتفاقی برای انسان‌های همان عصر و انسان‌های سایر عصرها می‌افتاد؟

علل وجود ادیان مختلف

سؤال دیگری که ممکن است ذهن شما را به خود مشغول کرده باشد آن است که با وجود اینکه خدا یک دین فرستاده و تمام پیامبران نیز همان را تبلیغ می‌کردند، چرا در جهان ادیان متعددی وجود دارد؟

تفکر در آیات قرآن کریم و مطالعه تاریخ انبیاء الهی نشان می‌دهد هر پیامبر جدیدی که از طرف خداوند مبعوث می‌شد پیامبران گذشته را تصدیق و خود را ادامه دهنده راه آنان معرفی می‌کرد. پیامبر جدید از مردم می‌خواست به دستور خداوند از او پیروی کنند و یاری‌اش دهند. به عنوان مثال حضرت عیسی علیه السلام، پیامبر قبلی را انکار و رد نکرد:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ^۱

و خود را ادامه دهنده راه او معرفی کرد و در همین حال مژده آمدن پیامبر پس از خود را نیز داد.

وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ^۲

تا آنان در آینده، پیامبر راستین را از مدعیان دروغین بازشناسند و با پذیرش آیین الهی، مسیر تکامل و سعادت را طی کنند و در این راه، متوقف و منحرف نشوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز هیچ یک از پیامبران پیشین را انکار نکرد و بر وحدت دین تأکید کرد. در قرآن کریم چنین می‌خوانیم:

۱- سوره مائده، آیه ۵.

۲- سوره صف، آیه ۶.

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ^۱

جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده‌اند.

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالتَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ^۲

ما همچنان که به نوح و پیامبران بعد از او، وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم؛

پیامبر اکرم، خود را ادامه دهنده راه همه انبیاء و تمام کننده کار آنان معرفی کرد و از یهودیان و مسیحیان خواست به ایشان ایمان آورند. با وجود آنکه وعده آمدن ایشان در تورات و انجیل داده شده بود، برخی از بزرگان یهودی و مسیحی رسالت پیامبر رحمت را انکار کردند و حتی به مبارزه علیه ایشان برخاستند.

قرآن کریم منشأ اصلی اختلاف و چند دینی را آن دسته از رهبران دینی می‌داند که به خاطر حفظ منافع دنیوی (ثروت و قدرت) پیامبر جدید را انکار می‌کردند و منشأ اختلاف در ادیان می‌شدند. این دلیل درباره ادیانی است که منشأ اصلی آنها الهی است. امروزه ادیانی در روی زمین وجود دارند که کاملاً به دست انسان‌ها ساخته شده و جنبه الهی ندارند. برخی از سازندگان این ادیان خود را به دروغ، پیامبر معرفی کرده‌اند و برخی نیز خود را از جانب خدا نمی‌دانند بلکه آنچه به فکرشان رسیده را در قالب یک دین به مردم عرضه کرده‌اند.



۱- سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.

۲- سوره نساء، آیه ۱۶۳.

تعمیق یادگیری

- ۱ با توجه به اینکه دین الهی، واحد است به سؤالات زیر پاسخ دهید:
الف) چرا انبیاء الهی مُتَعَدَدند؟
ب) چرا هم‌اکنون غیر از دین اسلام، ادیان دیگری نیز مانند یهودیت و مسیحیت در جهان وجود دارند؟
- ۲ دلیل بیاورید.
الف) دین الهی، واحد است.
ب) برقراری عدالت در جامعه از برنامه‌های مشترک همه پیامبران است.
- ۳ هر یک از موارد زیر به کدام یک از ویژگی‌های فطری انسان بازگشت دارد؟
الف) بیزاری مردم جهان از جنایات داعش
ب) تلاش انسان‌ها برای دستیابی به اکسیر حیات و جوانی در تمام دوره‌ها
ج) کُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ^۱ (هر کسی در گرو آن چیزی است که کسب کرده است)
۴ هر یک از موارد زیر به کدام یک از علل تعدد انبیاء اشاره دارند؟
الف) نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ، أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ
ب) شکستن بت‌ها توسط حضرت ابراهیم علیه السلام
ج) نفی خداپنداری حضرت عیسی علیه السلام در قرآن کریم
د) مبارزه حضرت موسی علیه السلام با فرعون

گفتگو کنید

فردی می‌گوید: «اگر دین الهی واحد است، پس امروزه می‌توان با تمسک به هر یک از ادیان مختلف، هدایت شد و به سعادت رسید!»؛ با او موافقید یا خیر؟

تحقیق کنید

- ۱) با بررسی مقالات، پیرامون یکی از دو کتاب «تورات» و «انجیل» (عهدین؛ عتیق و جدید) برخی از آموزه‌های این کتاب‌ها را که تحریف شده‌اند به کلاس ارائه دهید.
- ۲) برخی این سؤال را می‌پرسند که اگر خداوند پیامبران را برای هدایت تمامی انسان‌ها ارسال کرده است پس چرا همه پیامبران در منطقه غرب آسیا مبعوث شده‌اند و ما پیامبری که در آفریقا یا اروپا مبعوث شده باشد نداریم؟

۱- سوره مدثر، آیه ۳۷.

۲- برای پاسخ می‌توانید از تفسیر این آیات بهره‌گیری کنید. (فاطر/۲۴، نحل/۳۶، رعد/۷، غافر/۷۸ و نساء/۱۶۴).

آخرین پیام آور

جریان هدایت الهی با ارسال ده‌ها هزار پیامبر، جریانی مستمر در طول تاریخ حیات بشر بوده است. این جریان تا بعثت رسول اکرم ﷺ یعنی تا پیش از ۱۴۰۰ سال قبل ادامه داشته است. اما از آن تاریخ به بعد هیچ ادعایی مبنی بر مبعوث شدن پیامبر جدید توسط مسلمانان پذیرفته نشده است. مسلمانان، مدعیان جدید پیامبری را پیامبران دروغین نامیدند و حتی در برخی موارد با آنها وارد جنگ شدند. مُسیلمه و سجاح دو تن از این پیامبران دروغین بودند که در کتاب تاریخ اسلام با این دو و نحوه برخورد مسلمانان با آنها آشنا شدید.

به راستی دلیل ما مسلمانان در دروغین نامیدن مدعیان نبوت و مبارزه با آنان چه بود؟

آیا اگر امروز نیز کسی ادعای پیامبری کند می‌توانیم به ادعایش توجه کنیم و آن را بپذیریم؟

چه عواملی سبب تقویت عقیده بایان جریان ارسال رسولان الهی با بعثت پیامبر اکرم ﷺ و بی‌نیازی بشر از آمدن پیامبر جدید شده است؟

ختم نبوت

از آنجا که خداوند پیامبران را می‌فرستد، و اوست که نیاز یا عدم نیاز به پیامبر را در هر زمان تشخیص می‌دهد، تعیین زمان ختم نبوت نیز با خداست. زیرا اوست که دقیقاً می‌داند عوامل ختم نبوت فراهم شده‌اند یا نه. به کلام الهی مراجعه می‌کنیم تا بدانیم خداوند در این موضوع چه بیانی داشته‌اند:

ما كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ محمد پدر هیچ یک از شما نیست
وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ بلکه رسول خدا و پایان پیامبران است
وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا و خداوند به هر چیزی آگاه است

خداوند در این آیه پیامبر اکرم ﷺ را «خاتم النبیین» نامیده است. «خاتم» در لغت به معنی نگین انگشتری است که مهر بزرگان محسوب می‌شد و هرگاه که نامه یا سندی را می‌خواستند امضاء کنند، مهر را در پایان آن می‌زدند و با آن به پایان می‌رساندند. «خاتم النبیین» نامیده شدن رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که ایشان تمام کننده نبوت و آخرین پیامبران است.

یکی خط است از اول تا به آخر	بر او خلق جهان گشته مسافر
در این ره انبیا چون ساریبان‌اند	دلیل و رهنمای کاروان‌اند
وز ایشان سید ما گشته سالار	هم او اول هم او آخر در این کار
بر او ختم آمده پایان این راه	در او نازل شده «ادعوا الی الله»
شده او پیش و دل‌ها جمله در پی	گرفته دست جان‌ها دامن وی

پیامبر اکرم ﷺ نیز در اجتماعات مختلف، خاتمیت نبوت را یادآوری می‌کرد تا پس از ایشان کسی ادعای پیامبری نکند و یا اگر ادعا کرد، مردم فریب او را نخورند و بدانند که او پیامبر واقعی نیست. از جمله به حضرت علی ع فرمودند:

تو برای من به منزله‌هارون برای موسی هستی؛ با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد آمد.^۲

۱-سوره احزاب، آیه ۴۰.

۲-تایب‌المودة، باب ۶، ص ۵۰.

با توجه به اعلام ختم نبوت در زمان حضرت محمد ﷺ، درمی یابیم که عوامل بی نیازی از پیامبر جدید فراهم بوده است. این علل کدام اند؟

عوامل پایان نبوت

در عصر پیامبر اکرم ﷺ عواملی که سبب تجدید نبوت و آمدن پیامبر جدید بود، از بین رفت و عواملی که انسان‌ها را بی نیازی از کتاب جدید می کرد پدید آمد. این عوامل عبارت‌اند از:

۱ آمادگی انسان‌ها برای دریافت کامل‌ترین برنامه الهی: پایین بودن سطح درک انسان‌ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی از عوامل تجدید نبوت‌ها بود. در عصر نزول قرآن، با اینکه مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند، اما آمادگی فکری و فرهنگی جوامع مختلف از جمله شبه جزیره به میزانی بود که می توانست کامل‌ترین برنامه زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. به همین جهت می بینیم که با ورود اسلام به سرزمین‌های دیگری مانند ایران، عراق، مصر و شام، نهضت علمی و فرهنگی بزرگی آغاز شد و دانشمندان و عالمان فراوانی ظهور کردند. در واقع، انسان‌ها وارد دوره ای شده بودند که می توانستند با تفکر در برنامه ارسال شده از سوی خدا، نیازهای هدایتی خود را در طول زمان‌های مختلف پاسخ دهند و در هر دوره‌ای به معارف جدیدتر و عمیق‌تری دست یابند.

۲ حفظ قرآن کریم از تحریف: با تلاش و کوشش مسلمانان و در پرتو عنایت الهی و با اهمتامی که پیامبر اکرم ﷺ در جمع‌آوری و حفظ قرآن داشت، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

مضطفی را وعده داد الطاف حق	گر بمیری تو نمیرد این سبق
من کتاب و معجزت را حافظم	بیش و کم کن را ز قرآن، مانع
من تو را اندر دو عالم رافعم	طاعنان را از حدیث دافعم
کس نتاند بیش و کم کردن در او	تو، به از من حافظی دیگر مجو

۳ وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب شد که مسئولیت‌های پیامبر، به جز دریافت وحی ادامه یابد و جامعه، کمبودی از جهت رهبری و هدایت نداشته باشد. حضور ۲۵۰ ساله امامان بزرگوار در میان مردم سبب شد که جامعه اسلامی از وجود ایشان بهره‌مند شود و اندیشمندان، به معارف و احکام اسلامی متناسب با نیاز زمان دسترسی داشته باشند. علاوه بر این، وجود امام عصر در پشت پرده غیبت به گونه‌ای دیگر حافظ اسلام است.

۴ پویایی و روزآمد بودن دین اسلام: دینی می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همه سؤال‌ها و نیازهای انسان در همه مکان‌ها و زمان‌ها پاسخ دهد. دین اسلام ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند پاسخگوی نیازهای بشر در دوران‌های مختلف باشد. یکی از این ویژگی‌ها وجود دو دسته قوانین ثابت و متغیر، متناسب با نیازهای ثابت و متغیر بشر است. توضیح اینکه، انسان در زندگی فردی و اجتماعی دو دسته نیاز دارد؛ نیازهای ثابت همانند امنیت، عدالت، دادوستد با دیگران، تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت. این نیازها همواره برای بشر وجود داشته است و از بین نمی‌روند. دین اسلام نیز برای تأمین هر کدام از این نیازها قوانین ثابت و مشخصی دارد.

دسته دیگر، نیازهای متغیری هستند که از درون همین نیازهای ثابت پدید می‌آیند. مثلاً داد و ستد، یک نیاز ثابت است. قرآن کریم برای این نیاز ثابت، یک قاعده و اصل ثابت دارد:

وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا

خداوند معامله را حلال اما ربا را حرام کرده است.

اما شیوه داد و ستد، ممکن است در هر زمان تغییر کند. مثلاً یک روز کالا را با کالا عوض می‌کردند، روز دیگر به جای کالا سکه می‌گرفتند، بعدها پول اعتباری، یعنی اسکناس به بازار آمد و امروزه قراردادهای بانکی، معامله‌ها را تنظیم می‌کنند. در هر یک از این موارد، ربا شکل خاصی پیدا می‌کند که باید تشخیص داده شود. این شکل‌های خاص نیازهای متغیر ما هستند که فقیهان و مجتهدان براساس آن اصل ثابت، و با تحقیق و مطالعه در کتاب و سنت، شکل‌های خاص ربا و معامله در این زمان را معین می‌کنند و به کسانی که مجتهد نیستند اعلام می‌کنند تا مطابق با آن عمل کنند.

یکی دیگر از نیازهای ثابت، نیاز به امنیت و حفظ کشور در برابر تهاجم دشمنان است. قرآن کریم درباره این نیاز نیز یک قاعده ثابت دارد و می‌فرماید:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ

تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...^۱

در برابر آنان، هر نیرویی که می‌توانید از جمله نگاهداری اسبان، فراهم آورید، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.



فراهم کردن نیرو و قدرت برای تأمین امنیت و به میزانی که دشمن بترسد و جرئت حمله پیدا نکند، یک قاعده ثابت است؛ اما مصداق این نیرو در هر زمان متفاوت است. همان‌طور که در یک دوره زمانی برای مقابله با دشمن به اسب نیاز بوده است، امروزه حکومت اسلامی وظیفه دارد به هر ابزار جدید و مشروعی برای حفظ کشور دست یابد تا کشور را از هر تهدیدی حفظ کند.

قاعده دیگری در قرآن کریم آمده است که:

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ^۲

خداوند در دین برای شما مشقت و سختی قرار نداده است.

۱- سوره انفال، آیه ۶۰.

۲- سوره حج، آیه ۷۸.

بر اساس این قاعده، اگر مسلمانان در اجرای یک حکم دچار تنگنا و مشقت شوند، می‌توانند با نظر فقیه و متخصص دین، آن را به شکلی انجام دهند که از این تنگنا بیرون آیند. در کنار قوانین ثابت و متغیر، اسلام برای حاکم نظام اسلامی، اختیارات ویژه‌ای در نظر گرفته که این اختیارات بیشتر در مواردی است که یک مورد مهم با یک مورد مهم تر در تضاد قرار می‌گیرد و شرایط ویژه‌ای پیش می‌آورد که نیازمند قانون جدید است و حاکم اسلامی می‌تواند این قانون جدید را وضع کند. به عنوان مثال در دین اسلام هر کس نسبت به مالی که از راه حلال به دست آورده دارای اختیار است و می‌تواند آن را به اختیار خود در هر مکانی که می‌خواهد و در امور مشروع مصرف کند. اما اگر حکومت اسلامی تشخیص دهد که برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور لازم است خرید و فروش برخی کالاها محدود شود، می‌تواند با وضع احکام و مقرراتی، تجارت آزاد را محدود کند و مقررات ویژه‌ای برای صادرات و واردات اجناس وضع نماید.

همچنین نظام اسلامی می‌تواند برای حمایت از تولید ملی و اشتغال بیشتر جوانان و بیکار نشدن کارگران، مانع ورود کالاهایی شود که امکان تولید آنها در کشور وجود دارد و مردم می‌توانند آن را تولید کنند.



۱ دلیل بیاورید.

الف) ختم نشدن نبوت با آمدن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، نشانه عدم بلوغ فکری و عدم آمادگی مردم آن دوران است.

ب) ختم نبوت با حکمت خداوند منافات ندارد.

ج) لازمه ایمان به آخرین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ایمان به همه پیامبران پیشین است.

۲ ارتباط هر یک از موارد زیر را با ختم نبوت بیان کنید.

الف) اختیارات حاکم اسلامی

ب) وجود امامان معصوم

۳ در رابطه با نیازهای ثابت و متغیر به سؤالات زیر پاسخ دهید :

الف) نیازهای ثابت و متغیر را تعریف کنید.

ب) کدام یک از نیازهای زیر ثابت و کدام یک، متغیر هستند؟

■ نیاز به انرژی هسته‌ای

■ نیاز به هدایت الهی

■ نیاز به قوانین بانکداری

■ نیاز به داد و ستد با دیگران

۴ هر یک از موارد زیر به کدام یک از علل ختم نبوت اشاره دارند؟

الف) *إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ*^۱

ب) سخنان ارزشمند حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در نهج البلاغه

ج) فتوای میرزای شیرازی در تحریم تنباکو

۵ هر یک از ویژگی‌های زیر به کدام یک از دلایل پویایی دین اسلام باز می‌گردد؟

الف) *وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ*^۲

ب) ممنوعیت ورود کالاهای آمریکایی به کشور

ج) فتاوی فقها در زمینه نحوه حضور افراد در فضای مجازی

۱-سوره حجر، آیه ۹.

۲-سوره حج، آیه ۷۸.

(۱) وظیفه پیروان پیامبر قبل و پس از مبعوث شدن پیامبر جدید چیست؟ آیا ادامه پیروی از دستورات پیامبر قبلی، مورد قبول خداوند است؟
(۲) آیا می‌دانید از جمعیت هشت میلیاردی دنیا فقط حدود یک و نیم میلیارد نفر مسلمان هستند؟ به نظر شما چرا پیروان سایر ادیان، پیرو دین آخرین پیامبر الهی نمی‌شوند و همچنان بر دین خود باقی مانده‌اند؟

با بررسی منابع، دلایلی که اثبات می‌کند قرآن تحریف نشده است را بیابید و ارائه دهید؟

معجزه جاودان

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ما را انیس و مونس شد
نگار من که به مکتب زلفت و خط نوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرّس شد
حافظ

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران ﷺ نازل شده و گواه و دلیل نبوت ایشان است.

در این درس می‌خواهیم این موضوع را بررسی کنیم تا بدانیم:
اولاً: چه نسبتی میان معجزه آن حضرت و دوران پیامبری ایشان وجود داشته است؟

ثانیاً: چرا معجزه جاوید پیامبر خاتم ﷺ از نوع کتاب است؟
ثالثاً: قرآن کریم از چه جهاتی معجزه است؟



تناسب معجزه پیامبر اکرم ﷺ با دوران خود

در درس‌های قبل دانستیم که حکمت الهی اقتضا می‌کند، هر پیغمبر را با معجزه‌ای همراه سازد که مشابه با علم و فن رایج آن زمان و مکان باشد تا در آن عصر و محیط آشنایان به آن علم بتوانند حقیقت معجزه و تفاوت آن را با علم و فن رایج در عصرشان، تشخیص دهند و از روی علم و تخصص درخصوص آن معجزه اظهار نظر و داوری کنند و نظرشان برای عموم مردم معتبر و اطمینان‌آور باشد. در این صورت حجت و برهان الهی برای مردم محکم‌تر و روشن‌تر خواهد بود. کسانی بهتر می‌توانند، معجزه را از دیگر مسائل دقیق علمی و فنی تشخیص دهند که در علوم و فنون مشابه آن معجزه، مهارت و تخصص داشته باشند زیرا دانشمندان و متخصصان هر فن که به خصوصیات و دقائق آن فن از دیگران آشناتر و به رموز و اسرار آن داناترند، بهتر می‌توانند تشخیص دهند که انجام این عمل برای دیگران امکان‌پذیر است یا نه.

مردم دوره جاهلیت از میان انواع فنون و علوم، در فن فصاحت و بلاغت تخصص کامل داشتند و در میان ملل جهان آن روز به فصاحت و سخن‌سرایی و با فنون ادبی معروف بودند تا آن جا که مجالس مسابقه شعر و خطابه برپا می‌کردند و با این عمل بر یکدیگر افتخار و مباحثات می‌نمودند و گاهی نیز به همین منظور بازارهایی تشکیل می‌گردید و هریک از شعرای قبایل مختلف عرب بهترین شعر و سخن خویش را در معرض نمایش قرار می‌داد و داوران مسابقه اظهار نظر نموده، بهترین آنها را انتخاب می‌کردند و گوینده بهترین شعر و سخن را مورد تقدیر و تشویق قرار می‌دادند.

با توجه به اوضاع محیط عربستان در آن زمان حکمت الهی اقتضا می‌کرد که پیغمبر اسلام را با معجزه بیان و بلاغت خارق‌العاده قرآن مفتخر کند، به طوری که هر عرب فصیح در برابر فصاحت و اسلوب شیوای قرآن زانوی عجز بر زمین زند و هر شاعر سخنور و بلیغ، خود را در برابر اعجاز بلاغت و حلاوت قرآن عاجز و درمانده ببیند، هر فرد مطلع و منصف در برابر اعجاز قرآن بی‌اختیار سرتسلیم فرود آورد و به وحی بودن و گفتار خدا بودن آن اعتراف کند.

رابطه ختم نبوت و معجزه جاویدان

از آنجا که پیامبر اکرم ﷺ، آخرین پیامبر و تعلیمات ایشان برای همهٔ زمان‌ها و دوران‌های بعد از اوست، سند نبوت و حقانیت او نیز به گونه‌ای است که در همهٔ زمان‌ها و دوران‌ها

حضور دارد. اگر معجزه پیامبر اکرم ﷺ از نوع کتاب و علم و فرهنگ نبود، نمی توانست شاهدی حاضر بر نبوت ایشان باشد.

شگفتی این اعجاز در آن است که هر قدر زمان می گذرد و انسان به قله های بلندتری در علم و معرفت دست می یابد، نه تنها از ارزش آن کاسته نمی شود، بلکه درخشندگی اش بیشتر آشکار می شود و ابعاد جدیدی از معارف آن کشف می شود. آری، این معجزه مناسب انسان های با فرهنگ و دانشمند است و به همین جهت با توسعه دانش و فرهنگ، اعجاز آن آشکارتر و روشن تر می شود. این در حالی است که آثار بزرگ ترین دانشمندان جهان - از افلاطون و ارسطو گرفته تا ابن سینا و خواجه نصیر و رازی تا نیوتن و پاسکال - کهنه می شوند و برخی سخنان آنان بسیار ابتدایی و ساده جلوه می کند یا به تدریج اشتباهشان آشکار می شود و مردم، گرچه به بزرگی از آنها یاد می کنند، اما می دانند که اشتباهات بزرگی هم داشته اند.

تناسب معجزه حضرت محمد ﷺ با ختم نبوت

خداوند معجزه اصلی پیامبر اکرم ﷺ را قرآن کریم قرار داد؛ معجزه ای از جنس «کتاب»؛ کتابی که هیچ کس توان آوردن مثل آن را ندارد. خداوند به کسانی که در الهی بودن قرآن کریم شک دارند پیشنهاد کرده است که کتابی همانند آن بیاورند.^۱ به این هم واردطلبی «تحدی» گفته می شود و برای این که عجز و ناتوانی آنها را نشان دهد این پیشنهاد را به ده سوره کاهش داده است^۲ و برای اثبات نهایت عجز و ناتوانی آنان، پیشنهاد آوردن حتی یک سوره مانند سوره های قرآن را هم به آنها داده است:

مِی گویند [پیامبر قرآن را] به خداوند افترا بسته است
أَمْ یَقُولُونَ افْتَرَاهُ
قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ^۳
بگو اگر می توانید یک سوره همانند آن بیاورید.

۱- سوره اسراء، آیه ۸۸.

۲- سوره هود، آیه ۱۳.

۳- سوره یونس، آیه ۳۸.

اما تأکید می‌کند که هیچ‌گاه نمی‌توانند همانند قرآن را بیاورند :

قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ
بِگُو اگر تمامی انس و جن جمع شوند

عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ
تا همانند قرآن را بیاورند

لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ
نمی‌توانند همانند آن را بیاورند

وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا
هر چند پشتیبان هم باشند.

از آن روز که قرآن کریم دعوت به مبارزه را اعلام کرده است بیش از چهارده قرن می‌گذرد و این دعوت همچنان ادامه دارد. مخالفان سرسخت اسلام از همان ابتدای نزول قرآن کریم تاکنون، در این باره تلاش بسیار کرده‌اند تا عظمت قرآن را زیر سؤال ببرند، اما نتوانسته‌اند سوره‌ای حتی به اندازه سوره «کوثر» بیاورند که اندیشمندان و متخصصان زمان، برابری آن را با سوره‌ای از قرآن ببینند؛ در حالی که آسان‌ترین راه برای غیر الهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم، آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های این کتاب الهی است. آری، از گذشته دور تا همین امروز، مخالفان قرآن کریم متن‌هایی ارائه کرده‌اند که برای افراد غیرمتخصص و ناوارد ممکن است بی‌عیب جلوه کند، اما تاکنون هیچ‌یک از این متن‌ها در مراکز علمی و تخصصی، مورد قبول واقع نشده و جملگی به فراموشی سپرده شده‌اند.

اندیشه

به نظر شما چرا خداوند معجزه آخرین پیامبر خود را کتاب قرار داده است؟

معجزات دیگر پیامبر اکرم ﷺ

برخی می‌پرسند که آیا پیامبر خاتم ﷺ به غیر از معجزه جاوید خود، که متعلق به همه عصرها و زمان‌هاست، معجزات دیگری نیز برای مردم زمان خود داشتند؟ پاسخ مثبت است. پیامبر در کنار معجزه اصلی خود (قرآن) معجزات دیگری نیز داشت. معجزاتی مانند حرکت کردن و دو نیم شدن درخت به دستور ایشان، شق القمر، ستون حنانه ... و

حضرت علی رضی الله عنه در یکی از سخنان خود می‌فرماید:

من با پیامبر اکرم بودم که گروهی از بزرگان قریش آمدند و گفتند: ای محمد تو ادعای بزرگی کرده‌ای که نه پدرانت چنان کرده بودند و نه یکی از خاندانت. ما از تو چیزی می‌خواهیم که اگر بپذیری و انجام دهی، بی می‌بریم تو فرستاده خدا هستی و اگر انجام ندهی بر ما مشخص می‌شود که جادوگر و دروغ‌گویی.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: چه می‌خواهید؟ گفتند: به آن درخت بگو از ریشه درآید و بیاید پیش روی تو بایستد. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خدا بر هر کاری تواناست. آیا اگر خدا برای شما چنین کند، ایمان می‌آورید؟ گفتند: آری.

گفت: اکنون آنچه خواسته‌اید به شما نشان خواهم داد. ولی می‌دانم که به راه خیر باز نمی‌گردید.

سپس گفت: ای درخت، اگر به خدا و روز جزا ایمان داری و می‌دانی که من پیامبر خدا هستم، به اذن خدا از ریشه درآی و بیا در برابر من بایست. درخت از جای درآمد و نزد پیامبر آمد و شاخه‌های بالایی خود را بر رسول الله صلی الله علیه و آله سایبان کرد و یکی از شاخه‌هایش را نیز بر شانه من نهاد که در طرف راست آن حضرت بودم.

آن گروه به آن نگرستند و از روی تکبر و گردنکشی گفتند: حال دستور بده نیمی از آن نزد تو بیاید و نیم دیگر جای خودش بماند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد. نیمی از درخت نزد او آمد. آنها از روی کبر و سرکشی گفتند: حال دستور بده تا به نیم دیگر خود ملحق شود. پس پیامبر صلی الله علیه و آله امر فرمود و درخت بازگشت.

من گفتم: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. ای رسول خدا من نخستین کسی هستم که به تو ایمان آورده‌ام و

نخستین کسی هستیم که گواهی می‌دهم درخت با فرمان خدا برای تصدیق نبوت و بزرگداشت دعوت رسالت، آنچه را خواستی، انجام داد.

بزرگان قریش گفتند این مرد، جادوگری دروغ‌گوست و در جادوگری مهارت خیلی زیادی دارد. سپس گفتند: آیا جز همانند این (مقصودشان من بودم) کسی تو را در کارت تصدیق می‌کند؟^۱



جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

هر کتابی از دو جنبه قابل بررسی است: اول از جنبه لفظی و دوم از جنبه محتوایی؛ قرآن کریم در هر دو جنبه معجزه است:

۱) **اعجاز لفظی**: خداوند قرآن کریم را با همین حروف و کلماتی که در دسترس بشر است نازل کرده است. اما چون خداوند بر همهٔ امور داناست، برای بیان معارف ژرف و عمیق قرآن، زیباترین و مناسب‌ترین کلمات و عبارات را انتخاب کرده است تا به بهترین وجه، معنای مورد نظر را برساند و دل‌های آماده را به سوی حق جذب کند. هر کس با زبان عربی آشنا باشد، به محض خواندن قرآن، در می‌یابد که آیات آن با سایر سخن‌ها کاملاً فرق می‌کند و به شیوه‌ای خاص بیان شده است.

این حقیقت از همان آغاز نزول مورد توجه همگان و حتی مخالفان قرار گرفته بود. ساختار زیبا و آهنگ موزون و دلنشین کلمه‌ها و جمله‌ها، شیرینی بیان و رسایی تعبیرات با وجود اختصار سبب شده بود که سران مشرکین، مردم را از شنیدن قرآن منع کنند و اگر کسی برای شنیدن قرآن نزد پیامبر ﷺ می‌رفت یا از پشت دیوار خانهٔ پیامبر ﷺ، به قرآن خواندن ایشان گوش فرا می‌داد، او را مجازات می‌کردند.

همین زیبایی لفظی، سبب نفوذ خارق‌العادهٔ این کتاب آسمانی در افکار و قلوب در طول تاریخ شده است و بسیاری از مردم به خصوص ادیبان و دانشمندان تحت تأثیر آن به دین اسلام گرویده‌اند.



۱- نهج البلاغه، بخشی از خطبه ۱۹۲.

ولیدبن مُغیره از بزرگان مکه، کافر بود اما مجذوب قرآن شده بود! روزی به تقاضای جمعی از مشرکان نزد پیامبر ﷺ آمد تا از نزدیک، شخصیت او و معجزه‌اش را بررسی کند. پیغمبر ﷺ قسمتی از سوره «سجده» را تلاوت کرد. این آیات چنان تأثیر و هیجانی در ولید ایجاد کرد که بی‌اختیار از جا حرکت نمود، نزد مشرکان بازگشت و گفت :

سوگند می‌خورم که از محمد ﷺ سخنی شنیدم که نه به گفتار انسان‌ها شباهت دارد و نه به گفتار پریان؛ گفتار او شیرینی و زیبایی مخصوصی دارد، و بر هر گفتاری پیروز خواهد شد.

از آن روز زمزمه در میان قریش افتاد که حتی ولید نیز مجذوب گفتار پیامبر شده است.^۱

۲) اعجاز محتوایی: گذشته از اعجاز لفظی، قرآن کریم از نظر محتوا و مطالب آن دارای ویژگی‌هایی است که نشان می‌دهد از قلم هیچ اندیشمندی تراوش نکرده است، چه رسد به شخصی که قبل از آن چیزی نوشته و آموزشی ندیده است. این جنبه از اعجاز برای کسانی که زبان قرآن را نمی‌دانند و فقط از ترجمه‌ها استفاده می‌کنند نیز قابل فهم و ادراک است. برخی از این جنبه‌های اعجازی عبارت‌اند از:

الف) انسجام درونی در عین نزول تدریجی

می‌دانیم که آثار و نوشته‌های اولیه دانشمندان و متفکران با آثار دوران پختگی آنها متفاوت است. از این رو دانشمندان معمولاً در نوشته‌های گذشته خود تجدید نظر می‌کنند و اگر بتوانند، کتاب‌های گذشته خود را اصلاح می‌نمایند.

با اینکه بیش از شش هزار آیه قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده و درباره موضوعات متنوع سخن گفته است، نه تنها میان آیات آن تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق‌تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگی دارند و همدیگر را تأیید می‌کنند.

۱- مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، ص ۷۸.



خداوند در قرآن می‌فرماید :

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا^۱

با توجه به این آیه بیان کنید چرا خداوند بر این نکته تأکید دارد که اگر قرآن از جانب غیر خدا بود، قطعاً ناسازگاری و اختلافات زیادی در آن یافت می‌شد؟

(ب) تأثیر ناپذیری از عقاید دوران جاهلیت

فرهنگ مردم حجاز آمیزه‌ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک‌آلود بود. با وجود این، قرآن کریم نه تنها از این فرهنگ تأثیر نپذیرفت بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع‌هایی همچون عدالت خواهی، علم دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها سخن گفته است.

(ج) جامعیت و همه جانبه بودن

با وجود اینکه قرآن کریم حدود پانزده قرن پیش نازل شده، در مورد همه مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت به سوی کمال بدان نیاز دارد، سخن گفته و چیزی را فروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی یا آخرت و رابطه انسان با خدا سخن نمی‌گوید، بلکه از زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و رابطه وی با انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و برنامه‌ای جامع و همه جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید :

خداوند آنچه را که امت تا روز قیامت به آن احتیاج دارد، در کتابش [قرآن] آورده است.^۲

البته روشن است که منظور از آنچه مورد نیاز است، نیازهای مربوط به برنامه زندگی و هدایت انسان‌هاست؛ یعنی همان نیازهایی که پیامبران به خاطر آنها فرستاده شده‌اند.

۱- سوره نساء، آیه ۸۲.

۲- إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ سِبْطًا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أُنزِلَ فِي كِتَابِهِ (کافی، ج ۱، ص ۲۶۱).

د) ذکر نکات علمی بی سابقه

در جامعه‌ای که علم و دانش جایگاهی نداشت و خبری از رشته‌هایی مانند فیزیک، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و ستاره‌شناسی نبود، قرآن کریم به برخی نکات علمی اشاره می‌کند که در تمام دنیای آن روز بی سابقه بود و بعدها به مرور زمان توسط دانشمندان کشف گردید.^۱ اشاره به این قبیل نکات علمی گویای آن است که قرآن کریم بسیار فراتر از علم آن روز جامعه سخن گفته و ذکر این قبیل نکات علمی فقط از کسی ساخته است که آگاه به همه علوم باشد، یعنی خداوند متعال. به چند نمونه از نکات علمی قرآن کریم توجه کنید:

۱) نیروی جاذبه: تا قبل از قرن هجدهم میلادی دانشمندان فکر می‌کردند که ستارگان به سقف آسمان‌ها چسبیده‌اند و به همین علت نمی‌افتند. اما قرن‌ها قبل از آن، قرآن کریم از وجود جاذبه میان ستارگان، خبر داد و آن را عامل درهم زرفتن ستارگان در یکدیگر معرفی کرد و فرمود:

«خداوند، آسمان‌ها را با ستون‌هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا داشته

است.»^۲

۲) انبساط جهان: نظریه انبساط جهان یکی از مهم‌ترین کشفیات نجومی انسان در قرن بیستم است. طبق این نظریه، کهکشانات با سرعت فوق‌العاده‌ای در حال حرکت و فاصله گرفتن از یکدیگرند که در نتیجه آن، جهان هستی به طور مداوم در حال گسترش و انبساط است. مطلبی که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره کرده است:

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ^۳

و آسمان را با قدرت خود برافراشتیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم.

۱- البته، قرآن کتاب هدایت است، نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته علمی می‌پردازد، برای نشان دادن عظمت خلقت و واداشتن انسان‌ها به تفکر در جهان است. از همین روست که این نکات علمی را به صورت کوتاه و در حد اشاره مطرح می‌کند.

۲- سوره رعد، آیه ۲.

۳- سوره ذاریات، آیه ۴۷.

۳) ماه تابان و خورشید درخشان : خداوند در قرآن کریم ماه را با عبارت منیر و خورشید را با عبارت سراج توصیف کرده است. در زبان عربی، منیر به شیء نورانی گفته می‌شود که از خودش نوری ندارد اما نور از منبع دیگری بر روی آن می‌تابد در حالی که سراج به شیء نورانی می‌گویند که نورش از درون خودش است^۱. قرآن کریم قرن‌ها قبل از آنکه بشر به این نکته پی ببرد که نور ماه از خودش نیست و آن را از خورشید دریافت می‌کند به زیبایی این نکته را بیان کرده است :

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا^۲



تدبر

وَ مَا كُنْتُمْ تَتْلُونَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَ لَا تَخُطُّونَ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ^۳
 و پیش از آن هیچ نوشته‌ای را نمی‌خواندی و با دست خود آن را نمی‌نوشتی
 که در آن صورت کجروان به شک می‌افتادند.

با توجه به آیه بالا، چرا خداوند معجزه جاوید خود را توسط پیامبری به دست مردم رساند که نزد هیچ کس درس نخوانده بود؟ اگر این کتاب توسط یکی از درس‌خواندگان و دانشمندان جامعه آورده می‌شد، ممکن بود چه شک و شبهه‌ای ایجاد شود؟

۱- قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۰۳؛ مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۶۷.

۲- سوره فرقان، آیه ۶۱.

۳- سوره عنکبوت، آیه ۴۸.

۱ دلیل بیاورید.

الف) معجزه پیامبر اکرم ﷺ باید از سنخ کتاب باشد.
 ب) انسجام درونی آیات قرآن، می تواند حقایق پیامبر اکرم ﷺ را اثبات کند.
 ارتباط دهید.

الف) معجزه پیامبر اکرم ﷺ - خاتمیت

ب) قابلیت رفع مشکلات امروزه با مراجعه به قرآن کریم - اعجاز قرآن کریم
 ج) أم يقولون افتراء، قُلْ فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ^۱ - حقایق پیامبر اکرم ﷺ در دعوت خود
 هر یک از موارد زیر به کدام یک از جنبه ها و ویژگی های اعجاز قرآن کریم اشاره
 دارند؟

الف) آیات معاد در قرآن، مبتنی بر آیات توحید است.

ب) وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا^۲

ج) وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ^۳

د) آسان بودن به خاطر سپردن آیات قرآن کریم

ه) وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِمْلَاقٍ^۴

۴ صحیح و غلط را با ذکر دلیل تعیین کنید.

الف) ذکر نکات علمی بی سابقه در تمام زمان ها معجزه بودن قرآن را ثابت می کند.

ب) جامعیت و همه جانبه بودن آیات قرآن به این معناست که این کتاب، کتاب دیروز، امروز و فردای انسان هاست.

ج) هر انسانی به محض مراجعه به قرآن کریم، معجزه بودن آن را درمی یابد.

۱- سورة یونس، آیه ۲۸.

۲- سورة روم، آیه ۲۱.

۳- سورة ذاریات، آیه ۴۷.

۴- سورة اسراء، آیه ۳۱.

۵ با توجه به دو متن زیر به سؤالات پاسخ دهید :

الف) شاید نتوان کتابی را در جهان یافت که در آن به اندازه قرآن کریم به تعقل، تفکر و علم دوستی تأکید شده باشد. در این کتاب، بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۱۸۵ بار از گوش دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از عقل، ۱۸ بار از فکر کردن، ۱۳۲ بار از تبیین و دلیل، و نیز ده‌ها کلمه دیگر مانند قلم و کتاب که به تفکر و علم مربوط می‌شوند، نام برده شده است. همچنین آیات متعددی در نکوهش جهل، غفلت، و تعقل نکردن وجود دارد.

ب) در جامعه آن روز عربستان و حتی دیگر نقاط جهان، کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد. به گونه‌ای که اگر خانواده‌ای فرزند دختر به دنیا می‌آورد، احساس شرم می‌کرد.^۱ در چنین فضایی، قرآن کریم با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد: هر کس، از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می‌بخشد^۲ و عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی‌کند.^۳ علاوه بر این، قرآن کریم برای زنان حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او استقلال بخشید و بهره‌کارش را از آن خودش دانست؛ هزینه خانواده را از دوش او برداشت و بر دوش مرد قرار داد و به خصوص بر کرامت، عزت و عفافش تأکید کرد تا در جامعه مورد سوءاستفاده مرد قرار نگیرد.

متن (الف) به کدام یک از انواع اعجازهای لفظی و محتوایی اشاره می‌کند؟
متن (ب) به کدام یک از انواع اعجاز محتوایی اشاره می‌کند؟

۱- سوره نحل، آیه ۵۸.

۲- سوره نحل، آیه ۹۷.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۹۵.

هم اندیشی

به نظر شما چرا اندیشهٔ دانشمندان به مرور زمان تغییر می‌کند؟ این ویژگی چگونه الهی بودن قرآن را اثبات می‌کند؟

تحقیق کنید

برخی نمونه‌های دیگر از اعجازهای علمی قرآن را پیدا کنید و در کلاس ارائه دهید.

مسئولیت‌های پیامبر ﷺ

خداوند متعال خاتم پیامبران؛ حضرت محمد ﷺ را واسطه فیض و رحمت الهی برگزید تا ایشان آخرین برنامه الهی را برای انسان به ارمغان آورد و براساس آن انسان‌ها را از ظلمت‌ها و تاریکی‌ها رهایی بخشد و به سمت رستگاری رهنمون سازد. اما به‌راستی خداوند متعال برای رسیدن به این هدف چه مسئولیت‌ها و وظایفی برعهده آن حضرت گذاشته است؟



تعلیمات قرآن کریم و سیره رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که ایشان به عنوان فرستاده خداوند، سه مسئولیت مهم را عهده‌دار بود:

۱) دریافت و ابلاغ وحی

رسولان الهی موظف بودند پس از دریافت کامل وحی، آن را به مردم ابلاغ نمایند:

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ

لِتَتْلَوْا عَلَيْهِمْ أَلَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ...^۱

پیامبران نمی‌توانند براساس خواسته و رأی خود در وحی دخالت نمایند و آن را کم یا زیاد به مردم برسانند. به عبارتی پیامبران، تنها مأمور ابلاغ بوده‌اند و حق تصرف در آن را نداشته‌اند. در سوره مبارکه حاقه می‌خوانیم:

... وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ^۲...

و اگر برخی سخنان را به ما - به دروغ - نسبت می‌داد، حتماً با قدرت، او را گرفتار می‌ساختیم، سپس رگ قلبش را مسلماً قطع می‌کردیم. از این آیات آشکار می‌گردد که پیامبر اسلام ﷺ در قبال وحی الهی نقشی جز ابلاغ نداشته است.^۳

۲) تعلیم و تبیین آموزه‌های قرآن (مرجعیت دینی)

پس از ابلاغ وحی، رسالت تعلیم قرآن^۴ و تبیین آن، برعهده پیامبر اکرم ﷺ قرار داده شد:

... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ، لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^۵

۱- سوره رعد، آیه ۳۰.

۲- سوره حاقه، آیه ۴۴.

۳- در کتاب علوم و معارف قرآنی سال قبل با اقدامات پیامبر اکرم ﷺ برای ثبت و حفظ قرآن کریم و همچنین تنظیم مکان قرار گرفتن آیات و سوره‌ها آشنا شدید.

۴- درباره روش‌های تعلیم قرآن توسط پیامبر اکرم ﷺ درس مستقلی در کتاب علوم و معارف قرآنی همین پایه ارائه شده است.

۵- سوره نحل، آیه ۴۴.

پیامبر، حقایق دین را آشکارا در اختیار مردم می‌گذارد تا به روشنی، همه توده‌ها از آن آگاه گردند، و به روح و جان آنها برسد. بر این اساس، اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی، شناخت وظایف، تکالیف، حقوق و... راه و روش (سنت) رسول اکرم ﷺ است. تبیین معارف دین توسط پیامبر اکرم ﷺ می‌تواند در شکل‌های زیر باشد:

(۱) قول: سخنان پیامبر ﷺ پیرامون دین و معارف آن که در قالب احادیث و روایات به ما رسیده است.

(۲) فعل: گاهی ممکن است چگونگی انجام یک کار در قرآن آمده باشد اما انجام آن توسط پیامبر، کیفیت آن را روشن می‌کند. قرآن کریم به کلیات و اصول احکام پرداخته و رسول خدا کیفیت آن را در عمل نشان می‌دهد. مثلاً در قرآن امر به نماز شده و پیامبر کیفیت آن را در عمل نشان داده است.

(۳) تقریر: تأیید رفتاری که دیگران نزد پیامبر انجام داده‌اند نشان از این دارد که آن کار بر اساس معارف دین بوده است.

مسلمانان در طول تاریخ با مراجعه به سنت آن حضرت، به معنای واقعی بسیاری از معارف قرآن پی می‌برند و شیوه انجام دستورات الهی را می‌آموزند.

۳) تشکیل حکومت اسلامی (ولایت ظاهری)

مسئولیت دیگر پیامبر اکرم ﷺ ولایت بر جامعه است. ولایت به معنی سرپرستی و رهبری است. پیامبر اکرم به محض اینکه مردم مدینه، اسلام را پذیرفتند به این شهر هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (انصار) و کسانی که از مکه آمده بودند (مهاجرین)، حکومتی را که بر مبنای قوانین اسلام اداره می‌شد، پی‌ریزی نمود.



با توجه به اطلاعاتی که سال‌های قبل پیرامون تشکیل حکومت توسط پیامبر ﷺ در مدینه به دست آورده‌اید، نقش هریک از عوامل زیر در تشکیل حکومت اسلامی را با دوستان خود به گفت‌وگو بگذارید :

(الف) تأسیس مسجد نبوی ﷺ

(ب) پیمان اخوت و برادری میان مهاجران و انصار

(ج) پیمان عمومی مدینه

(د) تشکیل نیروی نظامی

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

روایات متعددی اسلام را بر «پنج پایه» استوار دانسته و از میان آنها «ولایت» را مهم‌ترین پایه شمرده‌اند. از جمله آنها این حدیث امام باقر علیه السلام است :

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ اسلام بر پنج پایه استوار است

عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ بر نماز و زکات

وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ و روزه و حج و ولایت

وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ و به چیز دیگری دعوت نشده

كَمَا نُوَدِّي بِالْوَلَايَةِ آن گونه که به ولایت دعوت شده است^۱

ممکن است این سؤال مطرح شود که چه عواملی سبب شده ولایت و حکومت اسلامی، از این درجه اهمیت برخوردار باشد؟

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۸، باب ۲۷، روایت ۱.

در پاسخ به این سؤال، دلایل زیر مطرح شده است :

الف) جامعیت دین اسلام : اسلام، یک دین کامل و دربردارندهٔ هدایت انسان در همهٔ ابعاد آن است. همان‌طور که حیات فردی و اجتماعی انسان، امری به هم پیوسته و یک پارچه است، برنامهٔ هدایت وی نیز جامع و یک پارچه است و همهٔ بخش‌های زندگی را دربرمی‌گیرد. مهم‌ترین بخش زندگی اجتماعی، حکومت و ادارهٔ جامعه و تنظیم روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. چگونه ممکن است یک دین کامل، از این بخش زندگی که بر همهٔ بخش‌ها تأثیر جدی می‌گذارد، غافل بماند و مردم را به یک نظام حکومتی درست راهنمایی نکند؟

ب) ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام : اصولاً، یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایهٔ عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را بر اساس قوانین عادلانه بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم، میسر نیست. آیا می‌شود که خداوند هدفی را برای ارسال پیامبر خود تعیین کند، ولی ابزار و شیوهٔ رسیدن به آن را نادیده بگیرد؟ همچنین قرآن کریم احکام اجتماعی متعددی دارد؛ مانند خمس، زکات، حقوق و مسئولیت‌های خانواده و جامعه، امر به معروف، نهی از منکر، مبارزه با ظلم و جهاد با تجاوزگران و ستمکاران. روشن است که اجرای این قوانین بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست.

ج) ضرورت پذیرش ولایت الهی و نفی حاکمیت طاغوت : ولی و سرپرست حقیقی انسان‌ها خداست و به همین جهت، فرمانبرداری و اطاعت از دستورهای او و کسانی که خودش معین کرده، ضروری و واجب است. اجرای هر قانون و پیروی از هر کس، هنگامی صحیح است که به گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او بازگردد.

کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانون‌گذاری می‌کنند، در حالی که فرمان و قانونشان نشأت گرفته از فرمان الهی نیست، «طاغوت» نامیده می‌شوند. پذیرش حکومت «طاغوت» و انجام دستورهای وی بر مسلمانان حرام است. بنابراین لازم است در جامعه، حکومتی وجود داشته باشد که «طاغوتی» نباشد، یعنی مورد پذیرش خداوند باشد و دستورات الهی را که در قرآن و روایات آمده است، به اجرا در آورد.

د) حفظ استقلال جامعه اسلامی : یکی دیگر از عواملی که تشکیل حکومت اسلامی را ضروری می‌کند، استقلال جامعهٔ اسلامی است. قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد که سلطهٔ

بیگانگان را نپذیرند و زیر بار آنها نروند؛ این حکم قرآنی را «قاعده نفی سبیل» می‌گویند.^۱ مستکبران و ستمگران جهان همواره در پی آنند که بر جوامع دیگر مسلط شوند و از منابع مادی و معنوی آنان بهره ببرند. تشکیل حکومت اسلامی، هم مانع سلطه بیگانگان می‌شود و هم می‌تواند روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با سایر کشورها به گونه‌ای تنظیم کند که جامعه اسلامی، استقلال خود را در جهات مختلف حفظ نماید و بیگانگان برای تسلط بر مسلمانان راهی را نیابند.



اندیشه

امام خمینی رحمته الله علیه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین شخصیت عصر حاضر است که به تبیین ضرورت حکومت اسلامی پرداخته و با بیان روشنگرانه خود، توجه مردم را بدان جلب کرده است. در سخنانی که از ایشان نقل می‌شود، بیندیشید و ببینید که با کدام‌یک از دلایل تشکیل حکومت ارتباط دارد؟

۱- «نفی سبیل»، به معنای «نبودن راه» است؛ یعنی، بستن راه نفوذ. یعنی بیگانگان نباید راهی برای سلطه و نفوذ در جامعه اسلامی داشته باشند.

دلیل	سخنان امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>
	<p>به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک‌آمیز است، چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم.^۱</p>
	<p>مذهب اسلام، هم‌زمان با اینکه به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها چگونه باید تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع چگونه روابطی باید برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و جامعه نیست، مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است.^۲</p>
	<p>مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون، مایه اصلاح بشر شود، به قوه اجراییه و مجری احتیاج دارد.^۳</p>
	<p>با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و به‌نواور اجرا و اداره، نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.^۴</p>

۱- امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۰.

۲- صحیفه امام خمینی (ره)، صص ۱۶۸-۱۶۷.

۳- امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۸.

۴- همان، ص ۲۶ تا ۳۴.

ولایت معنوی رسول خدا ﷺ

همان‌طور که دیدیم، رسول خدا ﷺ از طرف خداوند دارای ولایت ظاهری است و سرپرستی و رهبری جامعه را برعهده دارد و با اجرای قوانین الهی جامعه اسلامی را اداره و رهبری می‌کند.

اما پیامبر ولایت معنوی را که همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌ها و مرتبه‌ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری است را نیز دارا است. این ولایت چیست و چگونه انجام می‌پذیرد؟ رسول خدا ﷺ با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و واسطه فیض خالق به مخلوق شود و به اذن الهی در عالم طبیعت تصرف کند. به‌طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، خطری را از کسی دفع نماید و دیگر حاجات مردم را در صورتی که صلاح آنها در آن باشد، برآورده سازد.

نمونه دیگر ولایت معنوی، هدایت بندگان خداست، نه از طریق آموزش معمولی و عمومی، بلکه از طریق امداد غیبی و الهامات روحی و معنوی و تصرف در قلوب و مانند آن. میزان بهره‌مندی انسان‌ها از این هدایت معنوی به درجه ایمان و عمل آنان بستگی دارد. هر قدر درجه ایمان و عمل انسان‌ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت هدایت‌های معنوی را بیشتر کسب می‌کنند و درمی‌یابند که خداوند چه نقش عظیمی بر عهده رسول خدا ﷺ برای هدایت انسان‌ها گذاشته است.

نمونه‌ای کامل از این نوع هدایت را می‌توانیم در رفتار رسول خدا ﷺ با امام علی علیه السلام ببینیم. امام علی علیه السلام که از همان دوران کودکی تحت تربیت رسول خدا ﷺ قرار گرفت، با استعداد بی‌نظیر خود مراتب کمال را در ایمان و عمل به سرعت می‌پیمود. به همین جهت، علاوه بر تربیت از روش‌های معمولی، از هدایت‌های معنوی رسول خدا ﷺ نیز بهره می‌برد. ایشان می‌فرماید:

«روزی رسول خدا ﷺ هزار باب از علم به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می‌شود»^۱.

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۰، باب اول.

- ۱ آیات زیر با کدام یک از دلایل ضرورت حکومت اسلامی مرتبط است؟
 الف) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ،
 يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ، وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ،
 وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا^۱
- ب) لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ، وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ، لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۲
 ج) ... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا^۳
 ۲ آیات زیر، به کدام یک از مسئولیت‌های پیامبر اشاره دارد:
 الف) لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ،
 يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ
 وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^۴
 ب) وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا
 أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا^۵
 ۳ دلیل بیاورد.
 الف) یکی از وظایف پیامبر اکرم ﷺ، حفظ قرآن از تحریف است.
 ب) مبارزه با تجاوزگران، مستلزم تشکیل حکومت اسلامی است.
 ج) پیامبر اکرم ﷺ ضرورتاً باید در هر سه حوزه مسئولیت خود، معصوم باشد.
 د) یکی از لوازم هدایت انسان‌ها، مراجعه آنها به رفتار و گفتار پیامبر ﷺ است.

۱- سورة نساء، آیه ۶۰.

۲- سورة حدید، آیه ۲۵.

۳- سورة نساء، آیه ۱۴۱.

۴- سورة آل عمران، آیه ۱۶۴.

۵- سورة احزاب، آیه ۳۶.

۴ هر یک از موارد زیر به کدام یک از دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بازگشت دارد؟

(الف) تأکید رهبر معظم انقلاب بر خرید کالای ایرانی

(ب) تلاش برای راه اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر

(ج) تشکیل ستاد امر به معروف و نهی از منکر

(د) «وَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»

۵ صحیح و غلط را با ذکر دلیل تعیین کنید.

(الف) پیامبر اکرم ﷺ وظیفه مرجعیت دینی را بر عهده داشتند تا مردم کلیات احکام و قوانین را بیاموزند.

(ب) پیامبر اکرم ﷺ از جانب خداوند، دارای ولایت معنوی است به این معنی که رهبری جامعه را بر عهده دارد.

(ج) هر فرد خیره و سیاست‌مداری می‌تواند با یک قانون جامع، مدرن و کارآمد، حاکمیت جامعه اسلامی را به دست بگیرد.

(د) پذیرش ولایت الهی، شرط حفظ استقلال جامعه اسلامی در برابر کفار است.

۶ تبیین کنید چرا مستکبران و ستمگران جهان، همواره با تشکیل حکومت اسلامی مخالف‌اند؟

هم‌اندیشی

شخصی می‌گوید «لازمه اجرای قاعده نفی سبیل، قطع ارتباط با تمام کشورهای غیرمسلمان است و چنین کاری در دنیای امروز میسر نیست»؛ با او موافقید یا خیر؟ چرا؟